

لشکر ۸ نجف اشرف در عملیات کربلای ۵، جنگ و گریز در شرق بصره

مهدی انصاری

اشاره: پس از پایان عملیات کربلای ۵، هنگام برنامه ریزی برای تهیه گزارش های این عملیات، به دلیل شهادت راوی قرارگاه قدس (علی فتحی) در روز ششم عملیات (۱۳۶۵/۱۰/۲۴) و شهادت راوی لشکر ۱۴ امام حسین (سید محمد اسحاقی) در روز یازدهم عملیات (۱۳۶۵/۱۰/۲۹)، از سه یگان اصلی قرارگاه قدس فقط راوی لشکر ۸ نجف (مهدی انصاری) حضور داشت (راوی تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم نیز در عملیات کربلای ۴ شهید شده بود). لذا تهیه گزارش عملیات قرارگاه قدس و یگان های تابع آن به راوی لشکر ۸ واگذار شد که وی با استفاده از یادداشت ها و نوارهای صوتی که خود و دو راوی شهید تهیه کرده بودند، گزارش قرارگاه قدس را در ۲۴۰ صفحه تدوین نمود. متن زیر با هدف بیان گوشه ای از نقش لشکر ۸ نجف و فرمانده دلاورش (شهید احمد کاظمی) در عملیات کربلای ۵، از گزارش مذکور برگزیده شده است.

مقدمه

موقعیت بسیار دشوار و پیچیده پس از این عدم الفتح، کار بررسی برای انتخاب منطقه ای دیگر و طرح ریزی عملیات گسترده دیگری از ۱۳۶۵/۱۰/۵ شروع شد و سرانجام در نیمه شب ۱۳۶۵/۱۰/۱۱، پس از بررسی ها و بحث های طولانی، منطقه شلمچه برای عملیات انتخاب شد و فرماندهی عالی جنگ (آقای هاشمی رفسنجانی) دستور آمادگی برای عملیات طی یک هفته را صادر کرد و برای جلوگیری از تردید و تزلزل، بر کار آماده سازی و عملیات در این منطقه، به عنوان یک تکلیف تأکید نمود.*

۱) مأموریت و طرح مانور

باقطعی شدن منطقه عملیاتی، قرارگاه قدس مأموریت یافت که در مرحله دوم عملیات پس از اینکه قرارگاه کربلا جای پای در منطقه پنج ضلعی گرفت وارد عمل شده، به طرف جنوب و غرب پیشروی نماید. منطقه مأموریت قرارگاه قدس از طرف

دو هفته پس از توقف عملیات کربلای ۴ در منطقه ابوالخصیب (غرب خرمشهر)، عملیات گسترده دیگری در منطقه شلمچه آغاز گردید که کربلای ۵ نام گذاری شد و به رغم ناامیدی های قبل از عملیات و مشکلات و پیچیدگی هایی که در این منطقه وجود داشت، سپاه پاسداران به یکی از موفق ترین عملیات های گسترده خود در طول جنگ دست یافت.

لشکر ۸ نجف در عملیات کربلای ۴ مأموریت خط شکنی و پیشروی داشت و طی شب و روز اول عملیات دو گردان غواص و دو گردان پیاده وارد عملیات کرد. این عملیات که با هدف پیشروی به سمت بصره طراحی شده بود، به رغم شکسته شدن خط دشمن در غالب محورها و تلاش بسیار و جانبازی رزمندگان غواص و خط شکن، به دلیل هوشیاری دشمن، موفقیتی در پی نداشت و پس از ۲۴ ساعت متوقف شد. در

پس از قطعی شدن منطقه شلمچه به عنوان منطقه عملیاتی، فرصت آماده سازی ابتدا یک هفته و سپس پنج روز اعلام گردید؛ یعنی قرارگاه ها و یگان ها باید روز ۱۳۶۵/۱۰/۱۷ برای شروع عملیات اعلام آمادگی می کردند.

غرب به کانال زوجی، از جنوب به اروندرود، از شرق به نهر دوعیجی و از شمال به اولین دژ غربی کانال پرورش ماهی محدود می گردید. یگان های زیر برای انجام دادن این مأموریت تحت امر قرارگاه قدس قرار گرفتند:

لشکرهای ۷ ولی عصر، ۸ نجف، ۱۴ امام حسین، ۲۷ حضرت رسول، ۳۲ انصارالحسین و تیپ ۴۴ قمرینی هاشم.

اکثر فرماندهان یگان های مأمور به قرارگاه قدس موافق عملیات در این منطقه نبودند و موفقیتی را برای این عملیات پیش بینی نمی کردند، ولی با توجه به اینکه فرماندهی عالی جنگ، به اجرای این عملیات به عنوان تکلیف تأکید نمود، خود را ملزم به آماده سازی و اجرای عملیات می دانستند و اقدامات مناسبی در جهت آماده سازی نیرو، امکانات و منطقه عملیاتی انجام دادند.

فرمانده لشکر ۸ نجف (احمد کاظمی) در صحبتی با فرمانده قرارگاه قدس (عزیز جعفری)، گفت:

«من دیشب مسئولین لشکرمان را جمع کردم و به آنها گفتم برادران می خواهیم برویم شهید بشویم. به آنها گفتم که قرار شده یک عده شهید شوند و خونشان ریخته شود تا کار جنگ حل شود؛ هر کس حاضر است بفرماید، هر کس حاضر نیست نیاید بگوید... ما که دلیل نداریم.»

هنگامی که فرمانده قرارگاه قدس از فرمانده لشکر نجف و فرمانده لشکر امام حسین تقاضا کرد که در امر خط شکنی در آغاز عملیات شرکت کنند، برادر خرازی با بیان اینکه ما در کربلای ۴ انهدامی زیاد داشتیم، نپذیرفت و برادر کاظمی نیز

گفت: «ما ان شاء الله به حول و قوه الهی در این جهت (مأموریت مشخص شده) کمک می کنیم و در آن جهت (خط شکنی) هم کمک فکری و ذهنی و مسائلی که از دستان برمی آید انجام می دهیم. اگر تلفات به من وارد نشده بود و مشکلات نداشتم، در امر خط شکنی گردان خط شکن من منهدم شده است خدا و کیلی کمک می کردم. قلبم هم روشن است برای این عملیات و این مبنا که بایک واسطه از امام گفته شده، دیگر برایمان روشن است که دیگر شهادت می خواهد باشد؛ هر چه می خواهد باشد. ما اصلاً برای پیروزی قدم بر نمی داریم... الان با این حالی که دارم، اطمینان ندارم که بتوانم خط را بشکنم ولی با این حالتی که دارم به من بگویند خط بشکن، خدا و کیلی می گویم می روم، ولی من گردان های خط شکنم همه اش را وارد عمل کردم، منهدم شدند.»

با توجه به شروع مأموریت قرارگاه قدس در دومین مرحله عملیات، تعیین مأموریت قطعی یگان ها ممکن نبود لذا طی چند جلسه به بررسی طرح های مختلف پرداخته شد و در آخرین روز قبل از عملیات (۱۳۶۵/۱۰/۱۸) در جلسه ای با حضور فرماندهان دو لشکر نجف و امام حسین، فرمانده قرارگاه قدس ضمن پیش بینی وضعیت های مختلف، مأموریت این دو یگان را چنین مشخص کرد:

«در حالتی که لشکر عاشورا و لشکر کربلا آماده هستند به طرف گوشه (نوک) کانال ماهی گیری بپیچند، ما هم عبور می کنیم و خط خودمان را تأمین می کنیم.»

در حالتی که یگان های قرارگاه کربلا نتوانستند عبور کنند و آن گوشه را تأمین کنند، تعداد پنج (موضع) هلالی شکل اول غرب نهر دوعیجی را لشکر امام حسین و پنج (موضع) هلالی شکل ادامه آن را لشکر نجف تصرف کرده و پاک سازی کنند و پشت آن بایستند.

در حالتی که یگان های قرارگاه کربلا تا کانال (۹ پل، جنوب پنج ضلعی) آمدند و نتوانستند ادامه دهند، لشکر کربلا مواضع هلالی شکل اول و دوم غرب نهر دوعیجی را بگیرد و لشکر امام حسین هم دو موضع بعد را تصرف نماید؛ لشکر

نجف هم جاده آسفالت شلمچه را گرفته و پدافند کند. در این حالت باز هم در ادامه عملیات، پنج موضع هلالی شکل (غرب نهر دوعیجی و پایین جاده شلمچه) را لشکر امام حسین و پنج موضع ادامه آن را لشکر نجف باید تأمین کنند که (بدین منظور) لشکر نجف باید دو فلش بگذارد: «یکی در ادامه حرکت لشکر امام حسین و دیگری از جلو (شرق) نهر دوعیجی؛ در این حالت قرارگاه نجف باید قبلاً وارد عمل شود تا جناح چپ را تأمین نماید.»

ضمناً در اولین مرحله عملیات قرارگاه قدس، تیپ قمر بنی هاشم در احتیاط این مرحله قرار داشت.

همچنین با توجه به اینکه یگان‌های قرارگاه قدس باید از محور دو لشکر فجر و عاشورا (از قرارگاه کربلا) وارد عمل می‌شدند طی جلسه‌ای در روز قبل از عملیات، موضوع بررسی و مقرر شد که لشکر امام حسین از لشکر عاشورا و لشکر نجف از لشکر فجر عبور نمایند.

۲) آماده‌سازی

پس از قطعی شدن منطقه شلمچه به عنوان منطقه عملیاتی، فرصت آماده‌سازی ابتدا یک هفته و سپس پنج روز اعلام گردید؛ یعنی قرارگاه‌ها و یگان‌ها باید روز ۱۳۶۵/۱۰/۱۷ برای شروع عملیات اعلام آمادگی می‌کردند. پنج روز برای آماده‌سازی یک عملیات گسترده، نسبت به فرصت‌های چند ماهه‌ای که معمولاً برای این گونه عملیات‌ها در نظر گرفته می‌شود، زمان ناچیزی بود. البته با توجه به نزدیکی این منطقه عملیاتی به منطقه عملیاتی کربلای ۴، و حتی محورهای مشترکی نظیر پنج ضلعی، بوارین و... بین این دو منطقه و حضور نیروها و امکانات آماده‌سازی در منطقه کربلای ۴، تا حدود زیادی مشکل کمبود زمان را حل می‌کرد. مبنای اصلی انتخاب منطقه شلمچه و در نظر گرفتن این فرصت محدود نیز همین نزدیکی و آمادگی بود. علاوه بر این، سه نکته اجرای هر چه سریع‌تر عملیات را ضروری می‌ساخت: لزوم به کارگیری سریع نیروهای آماده‌نبرد، لزوم غافلگیری دشمن و ضرورت کاهش عواقب نامطلوب توقف عملیات ناموفق کربلای ۴.

یکی از مهم‌ترین مراحل عملیات در منطقه شلمچه، عبور سریع و بدون درگیری با دشمن از منطقه آب گرفتگی بود.

به هر صورت، علی‌رغم فرصت محدود و امیدوار نبودن عده‌ای از فرماندهان به موفقیت، و حتی ناباوری برخی در مورد اجرای عملیات در این منطقه، اعلام شدن تکلیف از زبان فرمانده عالی جنگ (آقای هاشمی رفسنجانی) و اقدامات پیگیر فرماندهی کل سپاه، موجب تلاش‌های همه‌جانبه و بی‌سابقه در زمینه آماده‌سازی شد.

به طور کلی آماده‌سازی در چهار زمینه باید انجام می‌گرفت: نیرو، امکانات و تسلیحات، مهندسی و عبور.

الف- نیرو

نیروهای عمل کننده، همان نیروهای آماده‌سازی شده برای عملیات کربلای ۴ هستند. گردان‌هایی که در این عملیات وارد عمل نشده‌اند، آمادگی کامل دارند. دستور داده شده که گردان‌هایی که وارد عمل شده و ضربات و تلفاتی به آنها وارد شده، حتی المقدور با استفاده از نیروهای اعزامی جدید بازسازی و تکمیل گردند و سریع آماده عملیات شوند.

ب- امکانات و تسلیحات

باقطعی شدن منطقه عملیاتی، اقدام برای استقرار امکانات لازم به منظور پشتیبانی عملیات اعم از یگان‌های آتش، ترابری، تدارکاتی، اورژانس و... شروع گردید. با توجه به آمادگی این امکانات در منطقه عملیاتی کربلای ۴ و دستور خارج نکردن این امکانات از منطقه پس از توقف این عملیات، مشکل چندانی برای انتقال امکانات لازم به منطقه عملیاتی شلمچه وجود نداشت، لیکن مشکل اصلی کمبود محل استقرار بود. منطقه، وسعت لازم را برای استقرار همه امکانات و تسلیحات ضروری به نحوی که پراکندگی لازم رعایت شود، نداشت.

ج- مهندسی

یگان مهندسی می بایستی در دو زمینه اقدام می کرد: اول، آماده سازی مقدمات عملیات؛ مثل ایجاد مواضع توپخانه، سنگر و سوله سازی، جاده سازی عقبه و آماده سازی جاده اتصالی به خط دشمن. دوم، کسب آمادگی برای ورود به منطقه آزاد شده و منطقه درگیری برای پشتیبانی مستقیم نیروهای رزمنده.

مهندسی علاوه بر مأموریت هایی که قبل از شروع عملیات به عهده داشت، قسمت مهم تر کارش آمادگی برای پشتیبانی نیروهای رزمنده در حین عملیات بود. پیچیدگی خطوط و زمین دشمن در منطقه شلمچه و استحکامات آن ایجاب می کرد تا مهندسی سرمایه گذاری بیشتری در این زمینه بنماید. فرمانده قرارگاه قدس بارها بر اهمیت این مسئله و لزوم به کارگیری همه امکانات مهندسی و زرهی یگان ها تأکید می نمود؛ از جمله وی چند ساعت قبل از شروع عملیات به فرماندهان لشکرهای نجف و امام حسین چنین تأکید می کند:

«خودتان می دانید که جنگ بدون تانک و بولدوزر نمی شود. اینجا نمی توانیم بدون تانک و بولدوزر بجنگیم.»

به دلیل چنین اهمیتی بود که واحدهای مهندسی یگان ها آماده شدند تا با کمک واحدهایی از مهندسی جهاد سازندگی که در اختیار آنها قرار می گرفت، به پشتیبانی نیروهای رزمنده شتافته، اقدامات لازم از جمله ایجاد خاکریز و استحکامات را شروع نمایند.

دشمن اگر تحرکات چند روز قبل از عملیات را

نقل و انتقالات پس از

عملیات کربلای ۴ تلقی نمی کرد، حداقل هرگز

انتظار نداشت ما در کمتر از دو هفته آماده

عملیات گسترده دیگری شویم. در

نتیجه، هر چند امکان غافلگیری در مکان میسر

نگردید، ولی دشمن در زمان غافلگیر شد.

د - عبور

یکی از مهم ترین مراحل عملیات در منطقه شلمچه، عبور سریع و بدون درگیری با دشمن از منطقه آب گرفتگی بود. اگر چه این موضوع برای یگان های قرارگاه کربلا که در اولین مرحله عملیات وارد می شدند بسیار اهمیت داشت (چون شکستن خط به توفیق در آن وابسته بود)، برای یگان های قرارگاه های قدس و نجف هم که در مرحله دوم وارد عمل می شدند، خالی از اهمیت نبود، زیرا پیش بینی می شد انتقال سریع گردان های اولیه این دو قرارگاه برای ادامه دادن به عملیات قرارگاه کربلا در موفقیت عملیات تأثیر بسزایی داشته باشد.

از محور شرقی که طبق طرح مانور می بایست ابتدا لشکر سیدالشهدا وارد می شد و پس از شکستن خط، سرپل را می گرفت، سپس یگان های اولیه قرارگاه های نجف و قدس وارد می شدند در اولین مرحله عملیات به دلیل نبود راه خشکی قابل استفاده، تنها راه ممکن برای وارد شدن نیروها، عبور از آب و استفاده از قایق بود. برای مرحله دوم به دلیل احتمال باقی نماندن قایق و خشایار، تلاش برای ترمیم و گشودن جاده های عقبه قرارگاه های قدس و نجف بسیار ضروری می نمود، خصوصاً اگر به دلیل عدم موفقیت لشکر سیدالشهدا در تصرف سرپل، دید و تیر مستقیم دشمن از روی جاده برداشته نمی شد.

۳) حفاظت و غافلگیری

اعتقاد همه دست اندرکاران جنگ بر اینکه علت اصلی عدم موفقیت کربلای هوشیاری دشمن بوده است، ضرورت فوق العاده غافلگیری دشمن را برای عملیات بعدی گوشزد می نمود، اما بین آنچه طبق معمول غافلگیری عنوان می شد و عجله و شتابی که برای آمادگی و شروع عملیات وجود داشت، تناقضی آشکار بود.

با شروع اقدامات آماده سازی منطقه بسیار شلوغ شد. جاده های اصلی مخصوصاً جاده اهواز - خرمشهر انبوهی از انواع خودروهای سبک و سنگین و مهندسی و باری و... را بر روی خود تحمل کرد. در آخرین روزهای قبل از عملیات، منطقه عملیاتی به خصوص خط دوم از فرط شلوغی به

گونه‌ای شد که فرمانده لشکر نجف (احمد کاظمی) آن را به بازارچه تشبیه کرده و گفت:

«اینکه خط نیست، بازارچه است! هر کجایش دشمن آتش بریزد، هدف است.»

همچنین در آخرین جلسه هماهنگی، برادر کاظمی نظر خود را در مورد هوشیاری دشمن چنین بیان کرد:

«خدا و کیلی همه چیزمان را عراقی‌ها می‌فهمند. لوله توپ‌ها که از این طرف، جهت ماشین‌ها همه به این طرف، خرمشهر هم که دیگر خبری نیست. با این [برج دیده‌بانی کارخانه] پتروشیمی عراق که مثل این است که دشمن یک کمین توی آسمان داشته باشد این برای من روشن است که دشمن می‌داند.»

فرمانده قرارگاه قدس سعی می‌کند که در این نظر تردید ایجاد کند، لذا می‌گوید:

«معلوم نیست، این را نمی‌توانی بگویی»

با وجود همه شواهدی که نشان‌دهنده هوشیاری دشمن و در صد ناچیز غافلگیری او بود، دو موضوع در غافلگیری دشمن اهمیت زیادی داشت:

۱- سرعت عمل: هرچند دشمن از طرق مختلف به خوبی

متوجه اقدامات و تحرکات خودی در منطقه شده بود، ولی در طول جنگ به خصوص سه چهار ساله اخیر سابقه نداشته که دو عملیات گسترده به فاصله زمانی کوتاهی از یکدیگر انجام شده باشد، به ویژه پس از عملیات ناموفق کربلای ۴، که از نظر دشمن ضربه سختی به اردوگاه خودی وارد شده و تا مدت‌ها توان و روحیه عملیات برای ما باقی نگذاشته است. دشمن اگر تحرکات چند روز قبل از عملیات را نقل و انتقالات پس از عملیات کربلای ۴ تلقی نمی‌کرد، حداقل هرگز انتظار نداشت مادر کمتر از دو هفته آماده عملیات گسترده دیگری شویم. در نتیجه، هرچند امکان غافلگیری در مکان میسر نگردید، ولی دشمن در زمان غافلگیر شد.

۲- وضعیت جوئی مناسب: وضعیت جوئی در روزهای دوم و سوم (۱۶ و ۱۳۶۵/۱۰/۱۷) قبل از عملیات که از شلوغ‌ترین و فعال‌ترین روزهای قبل از عملیات محسوب می‌شد به گونه‌ای بود که دشمن هیچ گونه دیدی روی منطقه عملیاتی نداشت. از اوایل روز ۱۳۶۵/۱۰/۱۶ آسمان نیمه ابری بود و بر اثر وزش شدید باد از جنوب به طرف شمال، غبار غلیظی سطح زمین را تا ارتفاع چند متری پوشاند به طوری که منطقه از دید دشمن در امان بود و همه برادران آرزو می‌کردند این وضعیت ادامه یابد. روز بعد هم با آنکه آسمان صاف بود، وجود غبار در سطح زمین همچنان تحرکات خودی را از دید دشمن می‌پوشاند.

در آن دو روز هواپیماهای شناسایی دشمن امکان هیچ گونه فعالیتی نداشتند و آتشی نیز اجرا نگردید.

آخرین روز قبل از عملیات هوا کاملاً صاف و بدون غبار بود و دشمن با استفاده از دید کاملی که به منطقه داشت، از اوایل صبح شروع به اجرای آتش روی محل استقرار دستگاه‌های زرهی، محورهای کار مهندسی و محل استقرار گردان‌های پیاده و واحدهای پشتیبانی نمود.

۴) زمان بندی عملیات

پس از قطعی شدن عملیات در منطقه شلمچه، ابتدا ۱۳۶۵/۱۰/۱۹ سپس ۱۳۶۵/۱۰/۱۷ به عنوان زمان آغاز عملیات تعیین گردید. در شب ۱۳۶۵/۱۰/۱۷ جلسه‌ای با حضور آقای هاشمی

از اوایل روز ۱۳۶۵/۱۰/۱۶ آسمان نیمه ابری بود

و بر اثر وزش شدید باد از جنوب به

طرف شمال، غبار غلیظی سطح زمین را تا

ارتفاع چند متری پوشاند به طوری که

منطقه از دید دشمن در امان بود و

همه برادران آرزو می‌کردند

این وضعیت ادامه یابد. روز بعد هم با

آنکه آسمان صاف بود، وجود غبار در

سطح زمین همچنان تحرکات خودی را

از دید دشمن می‌پوشاند.

رفسنجانی و همه فرماندهان سپاه تا رده قرارگاه ها و چند تن از فرماندهان ارتش و دیگر مسئولان سپاه برای بررسی ساعت شروع حمله برگزار شد که با توجه به پیچیدگی های این موضوع، در بحثی طولانی، حتی آغاز عملیات در فردا شب مورد تردید قرار گرفت. مشکل اصلی بر سر راه تصمیم قطعی، وضعیت ماه بود. فردا شب آغاز تاریکی و برطرف شدن مهتاب، ساعت ۲ بامداد بود و با توجه به مسافت طولانی که بعضی از یگان های قرارگاه کربلا باید تا خط دشمن طی می کردند، فرصت کمی تا آغاز روشنایی روز باقی می ماند و نیروها قبل از رسیدن به یک جا پای محکم با دشمنی روبه رو می شدند که آمادگی خوبی برای جنگ در روز داشت؛ مسئله مهم تر اینکه در این صورت یگان های قرارگاه قدس می بایست در روز با قوایی آماده و هوشیار روبه رو می شدند و بدین ترتیب موفقیت چندانی برای نیروهای خودی متصور نبود.

بالاخره پس از بحث بسیار و نظرخواهی آقای هاشمی از فرماندهان در مورد تصمیم گیری قطعی و عدم اعلام نظر قطعی، آقای هاشمی و برادر رضایی در یک بررسی دوفره، ساعت ۲ بامداد روز ۱۳۶۵/۱۰/۱۹ را به عنوان زمان شروع عملیات اعلام کردند. آقای هاشمی این تصمیم را چنین بیان کرد:

«ما با آقایان اینجا مشورت کردیم. با توجه به همه اظهاراتی که شده، نظرمان این است که ان شاء الله فردا شب انجام شود و فرماندهی آقای رضایی که حضور دارند اینجا تا لحظات آخر (قبل از عملیات) مسائل را زیر نظر دارند. اگر وضع فوق العاده پیش نیامد، همین طور که دستور داده عملیات انجام می شود. اگر ایشان تشخیص داد که خواست متوقف کند، ایشان این حق را دارند که متوقف کنند ولی فقط ایشان این حق را دارند؛ یعنی فرماندهان دیگر این حق را ندارند...»

مقدمات ورود قرارگاه قدس به عملیات (۱۳۶۵/۱۰/۱۹)

۱) شروع آتش دشمن قبل از آغاز عملیات

شروع درگیری با دشمن ساعت ۲ بامداد روز جمعه ۱۳۶۵/۱۰/۱۹، تعیین شده بود، لیکن نیروهای کمین و خط دشمن قبل از این ساعت مشکوک شده، با شلیک گلوله های منور و رگبار

در شب ۱۳۶۵/۱۰/۱۷ جلسه ای با حضور آقای هاشمی رفسنجانی و همه فرماندهان سپاه تا رده قرارگاه ها و چند تن از فرماندهان ارتش و دیگر مسئولان سپاه برای بررسی ساعت شروع حمله برگزار شد که با توجه به پیچیدگی های این موضوع، در بحثی طولانی، حتی آغاز عملیات در فردا شب مورد تردید قرار گرفت.

تیربارها قبل از ساعت ۱، بامداد جلو خطوط خود پوششی از آتش به وجود آوردند و به تدریج با فعال شدن توپخانه، کاتیوشا و خمپاره ها، حجم آتش دشمن بیشتر شد و از اروند تا کانال ماهی گسترش پیدا کرد.

با گذشت زمان، آتش دشمن شدت یافت و گسترده تر شد و علاوه بر پرتاب خمپاره های منور، هواپیماهای دشمن پی در پی منطقه عملیاتی را با ریختن فلر روشن می کردند، اما با وجود همه اینها، ایستادگی و مقاومت رزمندگان خط شکن، تردیدها و دلهره ها را کنار زد و با اعلام باز شدن معابر لشکرهای فجر، ۳۱ عاشورا و ۴۱ ثارالله و شکستن خط دشمن در این محورها، فجر امیدی در دل ها پدیدار شد و اطمینان نسبی بر تردیدها غلبه کرد. ضمناً قرارگاه قدس و لشکرهای نجف و امام حسین از حدود ساعت ۱:۳۰ بامداد به ادوات (خمپاره و مینی کاتیوشا) و توپخانه دستور اجرای آتش روی مناطق حساس دشمن، مخصوصاً جاده شلمچه و چهارراه های آن را دادند.

۲) تلاش برای باز شدن جاده عقبه قرارگاه قدس

راهی که به عنوان جاده اصلی عقبه قرارگاه قدس قبل از عملیات پیش بینی شده بود، ضلع سمت راست مثلثی بود که قاعده آن را قسمتی از دژ معروف به دژ ایران تشکیل می داد و دو ضلع سمت راست و چپ آن روی دژ عراق و در نزدیکی کانال

هفت پل^۱ با یکدیگر تلافی می کردند.

مأموریت شکستن خط دشمن در این محور به عهده لشکر سیدالشهدا بود و مهندسی و تخریب لشکر امام حسین و مهندسی لشکر نجف و تیپ قمرینی هاشم و جهادسازندگی اصفهان عهده دار احداث جاده در کنار دژ اتصالی از دژ ایران به دژ عراق و پاک سازی میدان مین و سایر موانعی بودند که از خط مقدم خودی تا خط دشمن وجود داشت. با فعالیت های دستگاه های مهندسی از چهار شب قبل از عملیات، این جاده تا حدود خط مقدم خودی رسیده بود. از اوایل شب عملیات، مهندسی لشکر ۱۴ با گرفتن این تذکر که آهسته فعالیت کند تا دشمن متوجه نشود، کار خود را شروع کرد و مهندسی لشکر نجف هم کار انتقال پل را به عهده گرفت. فرماندهی لشکر ۱۴ در ساعت ۲۳ به تانک هایش دستور استقرار در پشت مواضع مشخص شده در کنار دژ را داد و نزدیک ساعت ۲۴ به دستگاه مین کوب دستور حرکت داده شد تا به محض مناسب شدن شرایط، کار خود را شروع کند.

اولین تیم تخریب لشکر امام حسین کار خود را از ساعت ۱:۳۰ بامداد با پاک سازی میدان مین جلو خط خودی شروع کرد و تانک ها هم به پشتیبانی آنها پرداختند و به مهندسی هم دستور سرعت بخشیدن به کار پاک سازی دژ و احداث جاده داده شد، در حالی که تیربارهای دشمن فعال بود و خمپاره هایش آتش می ریختند.

فرمانده قرارگاه قدس برای اطلاع از وضعیت عملیات، به قرارگاه کربلا رفت و فرمانده کل سپاه که در این قرارگاه حضور دارد به وی تأکید می کند:

«آقای عزیز! این جاده خیلی حیاتی است؛ بچه ها سریع پل پی.ام.پی بیندازند؛ لودر و بولدوزر بفرستید جلو. آتش هایتان را اینجا متمرکز کنید؛ این سرپل برای ما مهم است.»

به دنبال این تأکید، عزیز جعفری ضمن تماسی به حسین خرازی می گوید:

«جاده را چه کار کردید؟ جاده را سریع باز کنید؛ برادر محسن خیلی تأکید می کند.»

به دلیل اهمیت این جاده که پیش بینی می شد سریع ترین و کوتاه ترین راه خشکی اتصال منطقه خودی به منطقه آزاد شده، باشد، بعد از چند دقیقه باز محسن رضایی دوباره این مطلب را تأکید کرد:

«الان این سرپل برای ما حیاتی است.»

با گذشت زمان، گزارش هایی مبنی بر پاک شدن کمین ها و شکسته شدن خط دشمن در محور لشکر سیدالشهدا (تابع قرارگاه کربلا) می رسد که به دنبال آن باز هم بر سرعت بخشیدن به ترمیم و باز شدن جاده تأکید می شود. البته فرماندهان لشکر امام حسین و لشکر نجف خودشان نیز لزوم استفاده بیشتر از زمان و زودتر باز شدن جاده را در نظر داشتند و علاوه بر اینکه برادر خرازی بابت سیم به نیروهای تخریب، مهندسی و زرهی تأکید می کند که کار خود را سرعت دهند، پیکی می فرستد تا از پیشرفت کار آنها با خبر شود. با توجه به گذشت زمان و موفق نشدن لشکر سیدالشهدا در شکستن خط دشمن و کندی کار پاک سازی و ترمیم جاده و تأکید قرارگاه بر این مورد، فرماندهان لشکر امام حسین و لشکر نجف در ساعت ۳:۲۰ از همین جاده به طرف جلو حرکت می کنند تا از نزدیک نظارت کنند و کارها را سرعت بخشند. در اینجا به علت کندی کار برادران تخریب که مشغول پاک سازی میدان مین بودند به

در پی خبری که فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله

(قاسم سلیمانی) در ساعت ۴:۰۵ مبنی بر

رفتن نیروهای این لشکر به پشت توپخانه

دشمن در غرب کانال ماهی و در

حال سقوط بودن این توپخانه داد،

محسن رضایی به عزیز جعفری گفت:

«بچه های لشکر امام حسین (ع) و لشکر

نجف بروند پایین، چون دشمن فکرش به لشکر

ثارالله مشغول است.»

دستور برادران خرازی و کاظمی دو دستگاه تانک شروع به تیراندازی به سمت کمین های دشمن می کنند که بسیار مفید واقع می شود و همزمان با فعالیت تانک ها، دستگاه مین کوب به طرف جلو حرکت می کند که هدف تیرهای دشمن قرار گرفته، از حرکت باز می ماند. به دستور فرمانده لشکر امام حسین، یک دستگاه بولدوزر برای پاک کردن دژ و شکافتن آن شروع به حرکت کرده و یک دستگاه تانک هم به فاصله کمی پشت سر آن با اجرای آتش روی تیربارها و کمین دشمن، پشتیبانی آن را به عهده گرفت. برادر خرازی در اینجا به مسئول تانک و مهندسی می گوید:

«سستی نکنید؛ با تانک و بولدوزر باید کمین دشمن را بشکنید. کمین دشمن عقبه ندارد؛ نیروی محدودی است و سلاح ضد تانک هم زیاد ندارد.»

به دنبال آن، برادر کاظمی هم به زرهی لشکر نجف دستور می دهد:

«یک دسته تانک حرکت داده و با چراغ روشن از این جاده جلو بیایند.»

با تلاش های زیادی که نیروهای تخریب و مهندسی و زرهی انجام دادند، راه ترمیم و تاسیساتی پاک سازی و قابل عبور نیروی پیاده شد و مهندسی لشکر ۱۴ هم پل نفرو آماده کرد تا روی کانال ۱۵۰ متری اسداخته شود و این جاده را به خشکی متصل نماید، ولی به علت شکسته نشدن خط دشمن در این محور و باقی ماندن مواضع هلالی شکل رو به روی این جاده، آتش زیادی روی آن بود و از ظهر به بعد چند بار گردان های لشکر ۸ و لشکر ۱۴ قصد عبور از آن را داشتند که شدت آتش دشمن اجازه عبور به آنها نداد و چند تانک هم از لشکر ۸ و لشکر ۱۴ مورد اصابت آتش دشمن قرار گرفت. با گذشت زمان و امکان از دست رفتن فرصت، ابتدا یگان های قرارگاه نجف (لشکر ۵ و لشکر ۱۷) که جاده عقبه آنها مجاور این جاده بود و دچار همین مشکل شده بود و به دنبال آن یگان های قرارگاه قدس با قایق از محور بالای پنج ضلعی وارد منطقه عملیاتی شدند.

نیمه شب فرا رسیده است. نیروهای

لشکر امام حسین در

گوشه هلالی سوم (غرب دوعیجی) با

انبوهی از نیروها و آتش دشمن روبه رو و

پیشروی آنها سد شده است.

یک گردان از نیروهای لشکر

نجف به جاده شلمچه رسیده و

سعی می کند از پل بگذرد و با

نیروهای لشکر امام حسین الحاق کند که با

آتش شدید دشمن مواجه شده و عبور از

پل برای آنها مشکل شده است.

۳) پیشنهاد وارد شدن یگان های قرارگاه قدس از محورهای

قرارگاه کربلا

الف- پیشنهاد ورود از شمال پنج ضلعی

در پی خبری که فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله (قاسم سلیمانی) در ساعت ۴:۰۵ مبنی بر رفتن نیروهای این لشکر به پشت توپخانه دشمن در غرب کانال ماهی و در حال سقوط بودن این توپخانه داد، محسن رضایی به عزیز جعفری گفت:

«بچه های لشکر امام حسین (ع) و لشکر نجف بروند پایین، چون دشمن فکرش به لشکر ثارالله مشغول است.»

همه تلاش فرماندهان لشکر ۱۴ و لشکر ۸ بر این بود که جاده باز شود و هنگامی که در ساعت ۵:۲۰ برادر خرازی خبر پاک سازی یکی از کمین های دشمن را می دهد، برادر کاظمی فوری به وی پیشنهاد می کند که اگر وضع مناسب است، از روی جاده تا کانال ۱۵۰ متری (کنار دژ عراق) پیشروی کنند، مهندسی هم کار خود را تا آنجا ادامه دهد و زرهی پشتیبانی کند تا لشکرهای ۵ و ۲۷ عبور کنند و بعد از آنها لشکر امام حسین و لشکر نجف وارد شوند. ولی با مشخص شدن اینکه کمین های دیگر دشمن در کنار دژ به قوت خود باقی هستند، این موضوع منتفی می شود.

در ساعت ۷:۵۰ علی شمشخانی به فرمانده قرارگاه قدس می‌گوید:

«آقای جعفری! فکر کردید؟ دیگر حالا برو لشکر فجر را تحویل بگیر. همین الان شما پشت سر لشکر فجر نیرو بگذارید؛ برای تقویت این حرکت خیلی خوب است.»
برادر عزیز جعفری پاسخ می‌دهد:

«جابه‌جایی عقبه‌شان (لشکر ۸ و لشکر ۱۴) خیلی مشکل است.»
بعد از اینکه فرماندهی قرارگاه قدس به این نتیجه رسید که وارد کردن نیرو از محور لشکر فجر (شمال پنج ضلعی) امکان‌پذیر است و از طرف دیگر، احتمال طولانی شدن مدت پاک‌سازی و عبور از جاده عقبه داده می‌شد، علاوه بر این، فرمانده نیروی زمینی و فرمانده قرارگاه کربلا بر وارد عمل شدن سریع تر لشکر امام حسین و لشکر نجف اصرار داشتند، تصمیم گرفت که لشکر ۸ و لشکر ۱۴ را از محور لشکر فجر وارد کند. برادر جعفری در ساعت ۸:۳۰ صبح در تماسی با فرمانده لشکر امام حسین ضمن بیان وضعیت پنج ضلعی و یگان‌های عمل‌کننده در این محور، گفت:

«شاید جاده دیر باز بشود، ما نباید پشت آن جاده (جاده عقبه) گیر کنیم.»

برادر خرازی باز بر وارد شدن از جاده پیش‌بینی شده نظر داشت و لزوم وارد شدن یگان‌های قرارگاه نجف قبل از یگان‌های قرارگاه قدس را یادآوری می‌کند.

فرمانده نیروی زمینی با بیان این‌گله که «شما چرا می‌خواهید این قدر جنگ را به راحتی انجام دهید.» تأکید کرد:

«محور اصلی کارتان از محور لشکر فجر است؛ ابوشهاب (جانشین لشکر ۱۴ امام حسین) و سیف‌الله (جانشین لشکر ۸ نجف) را بفرستید تا از وضع آنجا مطلع شوند.»

فرمانده لشکر نجف با گفتن این جمله: «حالا می‌فرستیم بروند.» به این گفت‌وگو پایان داد.

برادر جعفری نیز ضمن تأکید بر رفتن جانشین دو لشکر برای بررسی محور لشکر فجر، گفت:

«تعدادی بچه‌ها را بفرستید توجیه شوند؛ بچه‌های زرهی و

برادر کاظمی به وی (فرمانده لشکر ۱۷)

یادآوری کرد:

«شما بایستی تدبیر کنید مقر دشمن را

سقوط بدهید؛ این وسط جبهه است،

راه همه را می‌بندد. زودتر به طرف پایین

حرکت کرده و از دو طرف روی جاده الحاق کنید.

اگر چیزی از جاده (شلمچه)

دست دشمن بماند، مکافات درست می‌شود،

سریع ادامه داده، حل کنید.»

مهندسی بروند مسیر را یاد بگیرند. دستگاه سنگین و یکی دو تانک از این محور بفرستید که آمادگی داشته باشند.»

در پایان این تماس، فرمانده لشکر نجف پیشنهاد کرد که خودش به همراه فرمانده لشکر امام حسین برای بررسی محور لشکر فجر بروند که فرمانده قرارگاه قدس مخالفت کرد:

«نه، فعلاً سیف‌الله و ابوشهاب را بفرستید.»

بالاخره بعد از اصرار فرمانده نیروی زمینی و فرمانده قرارگاه قدس و گفت‌وگوهای زیاد، جانشین فرماندهان لشکر ۱۴، لشکر ۸ و تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم به همراه تعدادی از برادران اطلاعات راهی محور لشکر فجر شدند (حدود ساعت ۹ صبح). هنوز به باز شدن جاده و عبور از آن امید بود، به خصوص با گراشی که در تماس فوق برادر کاظمی درباره جاده به برادر جعفری داد، ناامیدی فرمانده قرارگاه قدس از امکان استفاده سریع از این جاده کمتر شد و ضمن بیان وضعیت آن برای برادر رحیم صفوی، همان‌نظر فرماندهان لشکر ۸ و ۱۴ را به وی پیشنهاد کرد:

«اگر لشکر نصر بیاید کمک کند یک هلالی شکل را بگیرد، اینها (لشکر ۸ و لشکر ۱۴) می‌آیند تو (وارد منطقه عملیاتی می‌شوند).»
چند دقیقه بعد از این پیشنهاد، برادر صفوی به برادر جعفری گفت:

* این جاده که کنار دژ عراق از بالای پنج ضلعی به طرف جنوب کشیده می‌شد، در ساعات اولیه عملیات آزاد شده بود، ولی به علت خرابی و گیر کردن دستگاه‌ها در آن، بسته بود که در آن ساعت با فعالیت نیروهای مهندسی باز شد.

«باید به احمد و حسین (لشکر ۸ و لشکر ۱۴) فشار بیاوریم که جاده را باز کنند؛ با تانک و ادوات، با هر چه می توانند.» ولی فرماندهان لشکر ۸ و لشکر ۱۴ نظرشان این بود که اقدامات ممکن را برای باز شدن این جاده انجام داده اند و کار دیگری از طریق مستقیم (از سمت دژ خودی به سمت دژ دشمن) نمی توان انجام داد، بلکه باید از پشت مواضع هلالی شکلی که دشمن از طریق آنها بر جاده دید دارد و تیراندازی می کند حل شود، که این کار را مأموریت لشکر سیدالشهدا و در صورت نتوانستن این لشکر، مأموریت لشکر نصر می دانستند.

برادرانی که برای بررسی محور لشکر فجر رفته بودند، پس از بازگشت گزارش دادند که «در شمال پنج ضلعی یک قرارگاه دایره ای شکل است که دشمن در آن حدود چهل تانک دارد که از آنجا سمت چپ و دژ (شرق پنج ضلعی) را تهدید می کند که از رفتن بچه ها به طرف پایین و به سمت باز کردن جاده ها (عقبه قرارگاه قدس و قرارگاه نجف) جلوگیری می کند. البته این تانک ها مانور ندارند، ولی باید مسئله شان را با موشک، هلی کوپتر و کاتیوشا حل کرد. بچه ها اسیر هم گرفته اند که ریخته اند توی آب دارند می آیند.»

ب- پیشنهاد ورود از محور کانال ماهی

در تماسی با برادر محسن رضایی گزارش فوق به وی داده شد. برادر رضایی پس از بیان این مطلب که: «مرتضی می گوید اینجا (محور کانال ماهی) مثل فتح المبین است. بگویند بچه ها بیایند.»

نیروهای گردان امام سجاد (از لشکر نجف) در

برگشت از پشت جاده شلمچه برای الحاق

بالشکر ۱۴، به مقری از نیروهای

دشمن برخوردند که به علت نبودن جان پناه و

خاکریز دچار ضایعات زیادی شدند و

امکان الحاق به دست نیامد.

گفت:

«لشکر ۸ و لشکر ۱۴ بروند پشت سر لشکر ۴۱ و لشکر ۲۵ (یعنی از محور کانال ماهی وارد شوند) و لشکر ۵ و لشکر ۱۷ بروند به کمک لشکر ۱۹ و لشکر ۱۰ و حل پنج ضلعی.»

به دنبال این دستور فرمانده کل سپاه، برادر احمد کاظمی و برادر حسین خرازی از وی اجازه خواستند که به همراه یکدیگر بروند محور کانال ماهی را بررسی و شناسایی کرده، برای وارد کردن نیرو، مانور مشخص کنند، اما برادر رضایی به علت آتش زیاد دشمن در این محور، موافق رفتن این دو فرمانده نبود، ولی این برادران با اصرار و با بیان اینکه اگر ما خودمان برویم همه را دنبالان می بریم، موافقت وی را جلب کردند.

برادر خرازی ضمن صحبت با برادر رضایی مسئله عقبه را مطرح کرد و برادر کاظمی گفت:

«اگر بخواهیم بمانیم تا جاده باز شود، دشمن ما را عقب زده و بیرونمان می ریزد. باید از قایق استفاده کنیم.»

به دنبال این تماس تلفنی که در آن محسن رضایی با همه فرماندهان حاضر در جلسه مزبور (برادران ایزدی، خرازی، کاظمی و قالیباف) صحبت کرد روحیه برادران تقویت شد به طوری که فرماندهان لشکر ۸ و لشکر ۱۴ در تسریع کار و انجام دادن اقدامات لازم برای وارد کردن نیرو مصمم شدند و فرمانده لشکر ۵ نیز (که تاکنون موافق وارد کردن نیرو از طریق محور لشکر فجر نبود و تنها راه را باز شدن جاده می دانست.) برای شروع کار و وارد کردن نیرو اعلام آمادگی کرد.

در پی دستور جدید، فرماندهان لشکر ۸، لشکر ۱۴ و تیپ ۴۴ حرکت کردند (حدود ساعت ۱۱:۳۰) و با قایق خود را به کانال ماهی رسانده، با عبور از پل این کانال نزد فرماندهان لشکر ۲۵ و لشکر ۴۱ در غرب کانال رفتند (ساعت ۱۲:۳۰). در اینجا فرماندهان لشکر ۲۵ و لشکر ۴۱ اصرار می کردند که یکی از لشکرهای ۸ یا ۱۴ یا تیپ ۴۴ با عبور از پل کانال ماهی (در منطقه غرب کانال) برای کمک به آنها وارد عمل شود. آنان به پاتک قریب الوقوع دشمن نیز اشاره می کردند. برادران کاظمی و خرازی همان مشکلات وارد شدن از محور شمال پنج ضلعی را

**نکته مهمی که فرمانده قرارگاه قدس
تأکید زیادی بر آن داشت و
چند بار به فرماندهان یگان ها یادآور شد،
به کارگیری دستگاه های مهندسی برای
احداث خاکریز، ترمیم جاده ها، پر کردن کانال ها
همزمان با پیشروی نیروها و
فعال کردن نیروهای تخریب برای
شناسایی میدان های مین و
باز کردن سیم های خاردار و
همچنین به کارگیری تانک و نفربرهای زرهی
برای پشتیبانی نیروهای پیاده و
دستگاه های مهندسی بود .**

برشمردند و افزودند: «ما قایق و امکانات ترابری نداریم. اینجا عقبه نداریم (فاصله عقبه یگان های قرارگاه قدس تا این محور به مراتب بیشتر از فاصله آن تا شمال پنج ضلعی است) ما از طریق پایین پنج ضلعی یعنی نوک کانال وارد شده و به طرف شمال به کمک شمامی آییم.»

فرمانده لشکر ۲۵ قبول کرد که یک گردان آنها را منتقل کند، ولی این برادران مشکلشان انتقال یک گردان نبود، بلکه نظرشان این بود که برای جنگیدن در این محور باید با همه تشکیلات و امکانات بیایند که چنین چیزی هم غیر ممکن بود. صحبت ها به همین ترتیب ادامه یافت و بدون رسیدن به نتیجه خاتمه یافت . در حالی که فرماندهان لشکر ۸ و لشکر ۱۴ و تیپ ۴۴ به طرف کانال ماهی می رفتند برادر محسن رضایی در ساعت ۱۲:۲۰ با جانشین لشکر ۱۴ تماس گرفته، ضمن اعلام باز شدن جاده لشکر فجر* عبور دستگاه های زرهی از این جاده، به وی گفت:

«نیروها معطل نشوند؛ اگر محور لشکر عاشورا باز است، از آن طرف، وگرنه از سمت لشکر ۲۵ عبور کنید.»

در پی بازگشت از کانال ماهی، فرماندهان لشکر نجف و امام حسین پس از اطلاع از وضعیت خط و منطقه پنج ضلعی تصمیم گرفتند از محور لشکر عاشورا (غرب پنج ضلعی) وارد عمل شوند که دستور داده شد اولین گردان های عمل کننده این دو لشکر از طریق آب با قایق به طرف پنج ضلعی حرکت کنند. در ساعت ۱۳ برادر رحیم صفوی آخرین وضعیت عملیات را چنین اعلام کرد:

«مقاومت دشمن شکسته شده. لشکر عاشورا و لشکر سیدالشهدا ضمن تصرف تعدادی از پل های کانال ۹ پل (ضلع جنوب پنج ضلعی)، به همراهی یگان زرهی قصد عبور از این کانال را دارند. وضع دشمن به هم ریخته و مسئله پنج ضلعی در حال اتمام است.»

(۴) محور ورود و مانور قطعی قرارگاه قدس

حل مسئله پنج ضلعی و پاک سازی دشمن از آن، امکان تردد سریع هم از طریق آب، هم از جاده به این منطقه، دست یابی نسبی یگان های عمل کننده مرحله اول به اهداف خود و نزدیکی آنها به نقاطی که در طرح به عنوان محل شروع عملیات قرارگاه قدس مشخص شده است، همچنین لزوم تسریع ورود یگان های قرارگاه قدس به عملیات قبل از اینکه دشمن خود را پیدا کند و نیز ضرورت کمک به یگان هایی که از آغاز عملیات تاکنون درگیر بوده اند، همه و همه موجب شد که علی رغم دستور ها و پیشنهادهای مختلفی که از چند ساعت قبل تا آن لحظه به لشکرهای نجف و امام حسین در باره چگونگی ورود به عملیات داده شده بود و آنها هم در این زمینه اقدام هایی کرده بودند فرمانده قرارگاه قدس در مورد وارد شدن این قرارگاه به علمیات و چگونگی آن، تصمیم جدی بگیرد، لذا وقتی فرمانده کل سپاه در تماسی با فرمانده قرارگاه قدس (در ساعت ۱۳:۴۰) از اقدامات لشکر ۸ و لشکر ۱۴ جويا شد، برادر جعفری پاسخ داد:

«ما همان مانور سابق را که در طرح مشخص شده بود، انجام

می دهیم.»

برادر رضایی هم این را تأیید کرد:

«بله، همان را انجام دهید. هیچ تغییر ندهید، منتها شما به کمک مرتضی و قاسم برسید.»

بعد از این صحبت، فرمانده قرارگاه قدس به لشکر نجف و لشکر امام حسین دستور داد که هر کدام یک گردان را با قایق عبور داده، از کنار دژ عراق (ضلع شرقی پنج ضلعی) به طرف جنوب حرکت دهند. همچنین هر لشکر یک گردان از طریق جاده (جاده عقبه قرارگاه قدس که خبر رسیده بود باز شده است) وارد منطقه عملیاتی کرده، خود را برای اجرای همان مانور قبلی آماده کنند. به تیپ قمر بنی هاشم هم دستور داده شد که با آوردن گردان هایش به منطقه، آماده باشد تا در صورت لزوم وارد عمل شود.

فرماندهان لشکرهای امام حسین و نجف در بازگشت از منطقه عملیاتی برای بررسی جاده عقبه قرارگاه قدس که خبر باز شدن آن را شنیده بودند رفتند، ولی مشاهده کردند که خبر باز شدن جاده صحت نداشته، چون آتش نسبتاً دقیق دشمن روی جاده اجرامی شد، به طوری که این برادران برای برگشت از این جاده به عقب، مجبور شدند از جیب پیاده شده، با پناه گرفتن در کنار خاکریز این جاده، به عقب برگردند. در همین جا چند تن از خدمه تانک‌هایی که در کنار این جاده مستقر بودند خبر دادند که سه دستگاه تانک خودی روی همین جاده هدف دشمن قرار گرفته است. در همین زمان به اولین گردان از لشکر نجف هم که قصد عبور از جاده به سمت منطقه عملیاتی را داشت، دستور برگشت و عبور از طریق آب داده شد.

با مشخص شدن چگونگی عبور و مانور لشکرهای نجف و امام حسین، فرماندهان این دو لشکر بدون درنگ راهی منطقه عملیاتی شدند (در ساعت ۱۴:۴۲ سوار قایق شده، به طرف پنج ضلعی حرکت کردند) و به اولین گردان‌های خود دستور دادند که هرچه سریع‌تر از طریق آب منتقل شوند. بدین ترتیب، قرارگاه قدس برای شروع مأموریت عملیاتی خود حرکت کرد.

آغاز عملیات لشکرهای نجف و امام حسین

۱) ورود به منطقه آزاد شده (۱۳۶۵/۱۰/۱۹)

بعد از مشخص شدن محور ورود یگان‌های قرارگاه قدس،

فرماندهان لشکر ۸ و لشکر ۱۴ در ساعت ۱۴:۳۲ به سرعت راهی پنج ضلعی شدند. آنها در حال رفتن، برتسریع انتقال اولین گردان‌های عمل کننده تأکید می کردند.

دستور حرکت اولین گردان‌های دو لشکر امام حسین و نجف در ساعت ۱۴ داده شد که گردان علی اصغر از لشکر ۸ و گردان یازدها از لشکر ۱۴ از طریق جاده (عقبه قرارگاه قدس) راهی منطقه شدند، ولی هنوز مسیری را طی نکرده بودند که به دلیل اجرای آتش دقیق دشمن روی جاده، به طرف اسکله برگشتند، تا با قایق به منطقه آزاد شده، بروند. دو گردان مزبور که از شب گذشته به منطقه عملیاتی آمده و در سنگرهای آماده شده (کنار دژ ایران) استقرار یافته بودند از حدود ساعت ۱۴:۳۰ در اسکله سوار قایق‌ها شدند و حدود دو ساعت طول کشید تا به طور کامل به پنج ضلعی رسیدند و در کانال‌های دشمن در دژ عراق (ضلع شرقی پنج ضلعی) پناه گرفته، منتظر دستور حرکت ماندند.

گردان دوم لشکر ۸ (گردان امام سجاده) بعد از ظهر امروز وارد منطقه شد و بعد از توقف یک ساعته، در ساعت ۱۶ برای ورود به منطقه آزاد شده به سوی اسکله رفت. نیروهای این گردان هنوز سوار قایق نشده بودند که با شایعه باز شدن جاده برای چندمین بار و از سوی دیگر، کاهش واقعی آتش دشمن روی جاده و نیز به دلیل طولانی بودن راه آبی و مشکل ترابری با قایق، این گردان بازگشت تا از طریق جاده برود، ولی بعد از پیمودن نزدیک به ۷۵ کیلومتر از جاده و زخمی شدن سه تن از نیروهای آن، فرمانده لشکر ۸ ضمن تماس با جانشین خود گفت:

«جاده هنوز مسئله دارد؛ زمان را از دست ندهید، زودتر بچه‌ها بسیج شوند نیروها را به اسکله منتقل کنند.»

بالاخره نیروهای این گردان نیز با قایق عازم منطقه شدند، در حالی که بر اثر این رفت و برگشت‌ها به سختی خسته شده بودند.

با استقرار فرماندهان لشکر ۸ و لشکر ۱۴ در یکی از سنگرهای دشمن در کنار دژ شرقی پنج ضلعی و حرکت نیروهای این دو لشکر، فرمانده قرارگاه قدس نیز در ساعت ۱۷ عازم این منطقه

شد تا در سنگری از سنگرهای آزاد شده دشمن که نیروهای این قرارگاه قبلاً آنجا را آماده کرده و وسایل ارتباطی آن را نیز برپا کرده بودند مستقر شود.

۲) طراحی شروع عملیات

فرمانده قرارگاه قدس در ساعت ۱۸ در سنگر فرماندهان لشکر ۸ و لشکر ۱۴ حضور یافت و به تشریح آخرین وضعیت عملیاتی پایین (جنوب) پنج ضلعی پرداخت. به طور خلاصه، آخرین وضعیت چنین است:

- بین لشکر ۳۱ و لشکر ۱۹ الحاق وجود ندارد.

- عملیات پشت کانال ۹ پل متوقف شده و به جنوب کانال گسترش نیافته است.

- لشکر ۱۹ فجر نیروهایش به اتمام رسیده است.

- لشکر عاشورا به علت خستگی توان ادامه عملیات را ندارد.

- دشمن روی دو جاده عقبه قرارگاه قدس و قرارگاه نجف تسلط دارد.

بعد از مشخص شدن آخرین وضعیت نیروهای خودی و خطوط درگیری، بحث چگونگی شروع عملیات با حضور فرمانده قرارگاه قدس، فرماندهان لشکر ۸ و لشکر ۱۴ و برخی مسئولان این دو لشکر و همچنین غلامرضا صالحی مسئول طرح و عملیات قرارگاه نجف شروع شد.

در پایان بحث طرح مانور عملیات یگان‌های قرارگاه قدس به صورت زیر اعلام شد:

«اولین گردان لشکر ۱۴ (گردان یا زهرا) از اولین پل کانال ۷ پل عبور کرده و سمت راست نهر دوعیجی را پاک‌سازی کرده و تا تقاطع جاده آسفالت شلمچه پیشروی می‌کند. همزمان با آن اولین گردان لشکر ۸ (گردان حضرت علی اصغر) از پل دوم کانال فوق عبور کرده و سمت چپ نهر دوعیجی را پاک‌سازی کرده تا جاده آسفالت شلمچه پیشروی می‌کند. به دنبال آن، دومین گردان لشکر ۸ (گردان امام سجاد) از گردان علی اصغر عبور کرده و در سمت چپ با لشکر ۱۷ (از قرارگاه نجف) روی پل پنجم کانال فوق الحاق کرده و موضعی از دشمن که جنوب کانال سمت چپ پل پنجم هست توسط یک دسته از نیروهای

این گردان پاک‌سازی شده تا راه‌نیروهای دیگر باز شود و بقیه عبور کنند. هم‌زمان با آن هم، نیروهای لشکر ۱۷ سمت چپ گردان امام سجاد از کانال عبور کرده و به طرف جنوب پیشروی کرده و روی جاده آسفالت شلمچه با هم الحاق می‌کنند.

همچنین لشکر ۵ (از قرارگاه نجف) مأموریت خود را، یعنی پاک‌سازی دژ عراق و مواضع هلالی شکل روبه‌روی جاده‌های عقبه قرارگاه قدس و قرارگاه نجف را که لشکر ۱۹ موفق به پاک‌سازی آنها نشده انجام می‌دهد. جاده آسفالت شلمچه به عنوان هدف مرحله اول و خط هماهنگی در این مرحله مشخص شد که بلافاصله بعد از رسیدن نیروها به این جاده و الحاق گردان‌ها با یکدیگر و هماهنگی یگان‌ها، مرحله دوم عملیات آغاز شده و نیروها تا جزیره بوارین پیشروی می‌کنند و باز بعد از الحاق و هماهنگی، مرحله سوم عملیات که عبور از بوارین و رسیدن به اروند است آغاز می‌شود.»

فرمانده قرارگاه قدس ضمن بیان اهمیت جا پایی که قرارگاه کربلا تصرف کرده، تأکید می‌کند که نباید توقف کنیم و اگر روز هم شد باید ادامه بدهیم و تا اروند پیش برویم. وی ذکر می‌کند که رمز بین لشکرها "یا زهرا ادرکنی" می‌باشد.

برادر کاظمی نیز نظر کلی فرماندهان را در مورد این عملیات چنین بیان کرد:

«برادران! من بگویم این عملیات را نه آقای حسین خرازی، نه هیچ کس دیگر براساس مانور جنگی، ما قبول نداشتیم. این عملیات براساس و مبنای ولایت بوده است، هر کس هم نیست (این را قبول ندارد)، امشب عملیات نرود، بدون رودر بایستی؛ من از جانب مسئولیتی که در مسائل جنگ دارم، به شما می‌گویم.»

وی افزود: «بنا بر این بوده که لشکر ۳۱ عاشورا از پل عبور کند و سرپل را بگیرد و ما با استفاده از موفقیت آنها، عبور کنیم ولی با توجه به مشکلات و مسائلی که کشیده‌اند، حالا ما باید برویم عبور کنیم.»

بحث طرح مانور در ساعت ۱۹ پایان یافت و همان طرحی که فرمانده قرارگاه قدس اعلام کرده بود، مبنای شروع عملیات

قرار گرفت توافق شد که ساعت ۲۲ حمله آغاز شود.

۳) شرح عملیات شب اول قرارگاه قدس

الف- شروع تک

نیروهای اولین گردان‌های عمل کننده لشکر ۱۴ امام حسین و لشکر ۸ نجف بعد از اینکه اقامه نماز کردند و شام خوردند، در حالی که هوا تاریک شده بود، با دستور فرماندهان خود در ساعت ۱۹:۴۵ به حرکت در آمدند. قبل از حرکت، مسئولان رده‌های مختلف دو گردان به طور کلی به مانور توجه شدند. گردان یازدهرا (از لشکر ۱۴) از جلو و به دنبال آن، گردان علی اصغر (از لشکر ۸) در حالی مسیر چهار کیلومتری (از نقطه رهایی کنار دژ عراق تا نقطه درگیری در پل اول کانال ۷ پل) را می‌پیمودند که به پاک سازی دقیق آن مطمئن نبودند و وجود نیروهای پراکنده دشمن را احتمال می‌دادند. در این حال هر چند نور ماه کم بود ولی دشمن علاوه بر پرتاب خمپاره‌های منور، با هواپیما منورهای بسیار و پردوام (فلر) می‌ریخت و این روشنایی بیش از آنکه برای نیروهایش مفید باشد، موجب سهولت کار رزمندگان اسلام می‌شد.

ب- عملیات لشکر ۸ نجف (گردان علی اصغر)

با عبور گردان یازدهرا از اولین پل و حرکت به طرف جنوب در سمت راست نهر دوعیجی، گردان علی اصغر که به دنبال آن حرکت می‌کرد بعد از عبور از پل اول و حرکت به سمت شرق، پاک سازی جنوب کانال ۹ پل (ضلع جنوبی پنج ضلعی) را شروع کرد. دشمن در اوایل این کانال و نخستین پل‌های آن، توان زیادی نداشت و تعدادی از نیروهای او با احداث سنگر تعجیلی و یاپشت خاکریزی که به موازات کانال بود، پدافند می‌کردند. اولین پل که مسئله‌ای نداشت و گردان یازدهرا با آتش مختصری نیروهای دشمن را از نزدیکی آن فراری دادند. در سر پل دوم یک قبضه تیربار دو لول از دشمن وجود داشت که قصد داشتند با آتش آن، حرکت بچه‌ها را سد کنند، اما نیروهای گردان علی اصغر در ابتدای درگیری با یک گلوله آر.پی.جی آن را از بین بردند. در ادامه پاک سازی، نیروهای این گردان دو سه سنگری را که از نیروهای دشمن در کنار پل سوم بود به

سادگی منهدم کردند. عراقی‌ها با استفاده از یک قبضه تیربار تک لول در سرپل چهارم، سعی در مقاومت داشتند، ولی طولی نکشید که آن‌هم منهدم شد و گردان علی اصغر با گذر از این پل به طرف پل پنجم حرکت کرد. دشمن در کنار پل پنجم مقری با خاکریزی بلند در اطراف آن داشت که جلوی خاکریز را هم با سیم خاردار پوشانده بود. این مقر در نقشه مشخص نشده بود و رزمندگان از وجود آن خبر نداشتند. با تسلطی که نیروهای دشمن از این مقر بر اطراف داشتند و چون زمین این محدوده عارضه‌ای نداشت که قابل استفاده و جان‌پناهی برای نیروهای خودی باشد، هر یگانی که به این مقر نزدیک می‌شد زیر آتش قرار می‌گرفت. چندی بار دو گروهان از نیروهای گردان علی اصغر که از کانال ۹ پل عبور کرده بودند سازماندهی شدند و از جناح‌های مختلف به این مقر دشمن حمله کردند، ولی موفق به تصرف آن نشدند. دشمن نیرو و تجهیزات زیادی در این مقر داشت؛ گویا نیروهای پراکنده دشمن که در این منطقه و در اطراف پل‌های قبل بودند، با شروع عملیات به داخل این مقر گریخته و در آنجا تجمع کرده بودند.

ج- عملیات گردان امام سجاد

دومین گردان لشکر نجف که به دنبال اولین گردان این لشکر حرکت کرد با عبور از همان پل اول کانال ۹ پل، منتظر نتیجه عملیات گردان علی اصغر و تأمین اهداف اولیه آن بود. بعد از

در ظرف کمتر از یک ساعت

از زمان شروع حرکت، در ساعت ۲۰:۴۷

اولین گردان لشکر نجف

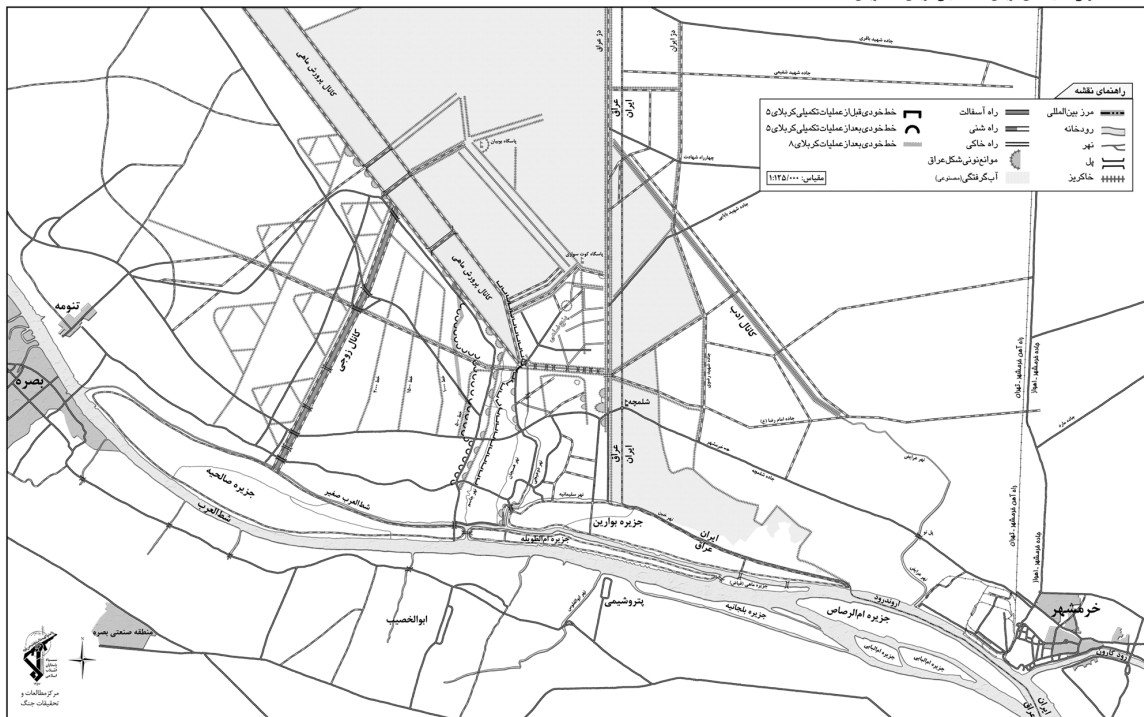
(گردان چهارده معصوم) اعلام کرد که

به خط هماهنگی (جاده آسفالت شلمچه)

رسیده است. این خبر علاوه بر تقویت

روحیه‌ها، فرماندهان را به

ادامه عملیات مصمم تر کرد.



کنند. نیروها به سرعت پیش می‌رفتند تا اینکه در نزدیکی خاکریزی که قبل از جاده آسفالت شلمچه بود، اشباحی به نظر رسید و فرمانده گروهان یک گلوله کلت منور شلیک کرد که مشاهده شد حدود سی چهل نفر عراقی بدون اسلحه که احتمالاً از مقر فوق خارج شده بودند در حالی که دست همدیگر را گرفته بودند به طرف خط خودشان فرار می‌کردند که عده‌ای با تیراندازی بچه‌ها کشته شدند و عده‌ای فرار کردند. سپس حرکت رزمندگان تا خاکریز قبل از جاده شلمچه ادامه یافت. در اینجا فرمانده گروهان ضمن گزارش دست‌یابی نیروها به خاکریز، از فرمانده گردان کسب تکلیف کرد که وی دستور داد تا جاده شلمچه پیشروی کنند. بچه‌ها ادامه دادند تا به جاده رسیدند، سپس دستور حرکت به طرف راست یعنی به سمت پل (تقاطع جاده شلمچه و جاده نهر دوعیچی) داده شد. نیروهای گردان امام سجاد به طرف پل حرکت کردند که از اینجا درگیری اصلی شروع شد، در حالی که آتش دشمن از سه طرف (چپ و راست و روبه‌رو) روی این رزمندگان فرود می‌آمد. با توجه به تسلطی که دشمن از سمت راست نهر دوعیچی روی این پل داشت و نیروهای لشکر ۱۴ نتوانسته بودند در سمت

اینکه نیروهای گردان علی اصغر از پل چهارم گذشتند و برای پاک‌سازی مقر دشمن در نزدیکی پل پنجم دچار اشکال شدند، فرمانده لشکر ۸ نجف دستور داد که گردان امام سجاد بیش از این منتظر نماند و مأموریت خود را شروع کند. به دنبال این دستور حدود ساعت ۲۲:۱۵ گردان امام سجاد از همان مسیر گردان علی اصغر یعنی کنار کانال ۹ پل (سمت جنوب آن) شروع به حرکت کرد و نیروها و سنگرهای پراکنده‌ای از دشمن را که خیلی اندک بودند از همراه خود پاک‌سازی کرد و به سمت شرق تا پل چهارم جلو رفت و از آنجا با راهنمایی مسئولان گردان علی اصغر و هماهنگی آنها، از طریق راه‌خاکی که از حدود پل چهارم به طرف جاده شلمچه کشیده می‌شد به طرف این جاده به حرکت درآمد. در مسیر حرکت، کنار راه یک مقری از دشمن بود که بچه‌ها چند آر.پی.جی. توی سنگرهای آن شلیک کردند و چون خبری از نیروی دشمن در آنها نبود، گروهانی که از جلو حرکت می‌کرد برای اینکه فرصت را از دست ندهند به حرکت خود ادامه داده و مسئول این گروهان از فرمانده گردان خواست که یکی دو دسته نیرو از گروهان‌های بعدی به این مقر بفرستد که آن‌را سنگر به سنگر پاک‌سازی

به رغم پیشروی سریع لشکر ۸ و لشکر ۱۷ و دست یابی آنها به هدف اولین مرحله عملیات، نیروهای تیپ قمر ۴۴ با فشار دشمن روبه رو شدند و در هلالی دوم در حال مقابله با دشمن بودند.

فرمانده قرارگاه قدس برای رفع این مشکل، به فرمانده تیپ ۴۴ پیشنهاد کرد که گردان دوم خود را از مسیر لشکر ۸ عبور بدهد و از پایین به مقابله با دشمن بپردازد.

راست دو عیجی به اهداف اولیه یعنی پاک سازی دشمن تا این پل برسند، تلاش نیروهای لشکر ۸ برای عبور از این پل بی نتیجه ماند.

۴- تدابیر ادامه عملیات

فرماندهان لشکر ۸، لشکر ۱۴ و قرارگاه قدس دائم در حال پی گیری عملیات نیروها و هدایت و هماهنگی و تسریع کار آنها بودند. با شروع حرکت نیروها، به واحدهای توپخانه و ادوات دستور آمادگی اجرای آتش سنگین داده شد، سپس با آغاز درگیری نیروها، اجرای آتش روی نقاط و مواضع حساس دشمن شروع شد و از مسئولان آتش خواسته شد که آتش خود را به طرف جنوب و غرب بلند کرده و دقت کنند که آتش خودی روی نیروهای در حال پیشروی نریزد.

در ساعت ۲۲ فرمانده لشکر نجف ضمن اعلام خبر موفقیت نیروهای لشکر ۸ و لشکر ۱۴ در شروع پاک سازی و پیشروی به سمت اهداف تعیین شده، به فرمانده قرارگاه قدس گفت: «به لشکر عاشورا بگوئید مأموریتش را شروع کند. الحمدلله تاکنون وضعیت بچه ها خوب بوده درگیر شده اند. ان شاء الله لشکر ۱۷ و لشکر ۵ بیایند همه در جهت هایی که بایستی برویم شروع کنیم.»

در حالی که نیروها مشغول پاک سازی بودند و خبر از پیشروی می دادند و فرماندهان لشکر ۸ و لشکر ۱۴ به نیروهای خود تأکید می کردند که از فرصت سردرگمی دشمن استفاده کرده، عملیات پاک سازی را سرعت ببخشند، در همین حال برادر کاظمی در صحبت با برادر خرازی پیشنهاد پیشروی و ادامه عملیات تا رسیدن به اهداف را مطرح کرد که برادر خرازی ضمن بیان تأمین نشدن جناح راست خود که قرار بود لشکر عاشورا عبور کند و احتمال شروع پاتک های دشمن، گفت که اگر همه یگان ها فشار و توان بگذارند امکان نیل به اهداف تعیین شده وجود دارد. به دنبال طرح این پیشنهاد، برادر زاهدی فرمانده تیپ قمرینی هاشم برای وارد کردن نیرو و کمک در جهت رسیدن به اهداف اظهار آمادگی کرد و برادر کاظمی از فرمانده قرارگاه نجف خواست که به یگان های تحت امر خود (لشکر ۵ و لشکر ۱۷) که در جناح چپ قرارگاه قدس مشغول عملیات هستند دستور دهد به کار خود سرعت بخشیده، همپای لشکر ۸ و لشکر ۱۴ به طرف اروند پیشروی کنند.

الف - مشکلات مهندسی

ساعت ۲۳ فرمانده قرارگاه قدس در سنگر مشترک لشکر ۸ و لشکر ۱۴ حضور یافت. در اینجا فرمانده لشکر ۱۴ ضمن گزارش وضعیت عملیات، از وی درخواست کرد که به منظور جلوگیری از بسته شدن پل ارتباطی نیروهای لشکر ۱۴ با عقبه خود (اولین پل کانال ۹ پل) برای پر کردن قسمتی از کانال و وسیع شدن سرپل که منحصر به پلی با عرض کم نباشد اقدامات لازم را انجام دهد.

البته یگان های مهندسی لشکر ۸، لشکر ۱۴ و تیپ ۴۴ تا حدودی درگیر جاده عقبه بودند و با توجه به اینکه نیروهایشان به منطقه آزادشده توجیه نبودند، امکان انتقال دستگاه ها در تاریکی شب بعید به نظر می رسید. تعدادی لودر و بولدوزر هم کنار دژ در پنج ضلعی وجود داشت ولی با توجه به اینکه در اختیار قرارگاه قدس و یگان های مربوطه نبود، امکان به کارگیری آنها تقریباً غیر ممکن بود.

ب- پیگیری عملیات

قبل از حضور فرمانده قرارگاه قدس در سنگر مشترک لشکر ۸ و لشکر ۱۴، فرمانده لشکر ۸ نجف بر متوقف نکردن عملیات و ادامه پیشروی تا اروند؛ بسیار تأکید می کرد فرمانده لشکر امام حسین هم به شرط اینکه همه یگان ها توان بگذارند، این مطلب را پذیرفت. فرمانده تیپ ۴۴ قمرینی هاشم نیز اعلام آمادگی کرد، اما بعد از حضور فرمانده قرارگاه قدس و مطرح شدن لزوم توسعه سرپل ها و بی نتیجه ماندن آن به علت حاضر نبودن دستگاه های مهندسی و نیز با شنیدن گزارش گردان های عمل کننده از نقاط درگیری مبنی بر عدم الحاق بین لشکرها و به خصوص مشکلاتی که نیروهای لشکر ۱۴ با آن مواجه شده بودند، نظر آنان تغییر کرد، بدین صورت که هر چند فرماندهان لشکرهای امام حسین و ۸ نجف در هدایت گردان های خود تأکید زیادی بر سرعت بخشیدن به پاک سازی و پیشروی می کردند، ولی نظر فرمانده قرارگاه قدس این بود که ممکن است لشکرها برای نیل به اهداف تعیین شده، توان لازم را به کار نبرده باشند، لذا برای جلوگیری از سستی و ایجاد ناامیدی و همچنین به منظور استفاده از فرصت و پیشروی تا اروند قبل از اینکه دشمن خود را به طور کامل باز یابد و پاتک های خود را شروع کند، از فرماندهان لشکر ۸ و لشکر ۱۴ خواست که گردان های بعدی خود را وارد کرده، برای رسیدن به اروند توان و تلاش بیشتری بگذارند. اما فرماندهان لشکر ۸ و لشکر ۱۴ تأکید داشتند که یگان های دیگر هم وارد میدان شده و کمک بدهند.

به دنبال بی نتیجه ماندن درخواست فرمانده قرارگاه قدس از لشکر ۸ و لشکر ۱۴ برای وارد کردن گردان جدید، وی با وجود اینکه مایل به وارد شدن یگان جدید نبود و تنها یگان دست نخورده این قرارگاه یعنی تیپ ۴۴ را برای به کارگیری در مراحل بعدی عملیات در نظر داشت و به رغم مشکلاتی که وارد شدن یگان جدید به همراه داشت (مشکلات انتقال، پشتیبانی، نداشتن شناسایی و ناآشنایی نیروها به منطقه درگیری، از دست رفتن فرصت و ...)، ناچار در ساعت ۲۳:۳۰ به برادر زاهدی

فرمانده تیپ ۴۴ دستور داد که دو گردان از نیروهایش را به پنج ضلعی منتقل کند و مأموریت آنها را هم «ادامه مانور لشکر ۱۴ یعنی پاک سازی بقیه مواضع هلالی خط دوم دشمن (غرب نهر دوعیجی) و پیشروی تا اروند» مشخص کرد.

چ- تلاش برای الحاق یگان ها

حدود دو ساعت پس از شروع درگیری (ساعت ۲۳:۳۰)، نیروهای لشکر ۸ و لشکر ۱۴ گزارش دادند که دشمن از داخل پنج ضلعی به سوی آنها آتش می کند. به دنبال این گزارش، با سؤال از قرارگاه کربلا در مورد الحاق بین لشکر ۱۹ و لشکر ۳۱ در شمال کانال ۹ پل، مشخص گردید که بین این دو لشکر الحاق نشده است و نیروهایی از دشمن که در پنج ضلعی مقاومت می کردند با استفاده از این رخنه، نیروهای خودی را که در حال عبور از پنج ضلعی و پیشروی به طرف جنوب بودند، هدف قرار می دادند. علاوه بر آن، ادامه و حضور دشمن در پنج ضلعی تهدیدی بود برای این نیروها و بسته شدن عقبه آنها، لذا فرمانده قرارگاه قدس از فرمانده نیروی زمینی برای حل این مسئله استمداد می طلبید.

از طرف دیگر، به علت عدم الحاق بین لشکرهای امام حسین،

در ساعت ۲۳ با رسیدن نیروهای تیپ

قمرینی هاشم به جاده شلمچه و پاک سازی

هلالی چهارم، تلاش نیروهای این تیپ برای

الحاق با نیروهای لشکر نجف آغاز شد و در

ساعت ۲۳:۳۵ این موفقیت حاصل شد.

به این ترتیب بعد از گذشت حدود سه ساعت و

۴۵ دقیقه از شروع عملیات،

یگان های قرارگاه قدس و

قرارگاه نجف توانستند

به هدف مرحله اول خود یعنی جاده

شلمچه (خط هماهنگی) نایل شوند.

نجف و علی بن ابی طالب و نیز کامل نشدن پاک سازی مقرهایی که سر راه نیروهای لشکر نجف و لشکر علی بن ابی طالب به طرف جاده شلمچه و جود داشت، نیروهای این سه یگان تقریباً از چهار طرف و حداقل از سه طرف زیر آتش دشمن بودند (از روبه رو، از پشت به دلیل پاک سازی کامل نکردن در هنگام پیشروی؛ از دو جناح هم به علت الحاق نداشتن یگان ها با یکدیگر)، لذا پس از آن بیشترین تلاش ها برای ایجاد الحاق بین لشکرهای درگیر صرف شد.

و- ادامه عملیات و تلاش برای الحاق

نیمه شب فرا رسیده است. نیروهای لشکر امام حسین در گوشه هلالی سوم (غرب دوعیجی) با انبوهی از نیروها و آتش دشمن روبه رو و پیشروی آنها سد شده است. یک گردان از نیروهای لشکر نجف به جاده شلمچه رسیده و سعی می کند از پل بگذرد و با نیروهای لشکر امام حسین الحاق کند که با آتش شدید دشمن مواجه شده و عبور از پل برای آنها مشکل شده است. گردان دیگر لشکر نجف با مقاومت دشمن در قرارگاهی بین پل پنجم و ششم جنوب کانال ۹ پل مواجه شده و تلاش برای پاک سازی این قرارگاه ادامه دارد. گفته می شود که نیروهای لشکر علی بن ابی طالب هم به جاده شلمچه رسیده اند ولی هنوز با نیروهای لشکر نجف الحاق نکرده اند. بیشتر فکر و تلاش فرماندهان لشکرهای ۸ و ۱۴ برای الحاق نیروهای دو لشکر است. لشکر ۸ همچنین تلاش می کند با نیروهای لشکر ۱۷ در سمت چپ خود الحاق کند. اهمیت الحاق ها به این دلیل است که هم حفظ مناطق پاک سازی شده را ممکن میکند، هم سنگرها و مقرهایی را از دشمن که کاملاً پاک سازی نشده اند در محاصره نیروهای خودی قرار می دهد و اجرای آتش آنها را محدود می کند. با صحبتی که در مورد چگونگی الحاق بین لشکر ۸ و لشکر ۱۴ و رمز آن انجام گرفت، قرار شد که نیروهای لشکر نجف به طرف پل حرکت کنند و ضمن عبور از آن، بگویند: «امام حسین یازهرا»، همچنین نیروهای لشکر امام حسین به طرف پل حرکت کنند و ضمن تلاش برای عبور از آن، بگویند: «نجف امام سجاد» فرمانده لشکر ۸ ضمن بیان این

رمز برای فرمانده گردان امام سجاد از او خواست که در الحاق با لشکر ۱۴ سرعت به خرج دهد. برادر کاظمی به برادر خرازی گفت از نیروهایش بخواهد که به طرف پل حرکت کرده، برای الحاق هرچه سریع تر تلاش کنند. ولی بعد از اینکه فرمانده لشکر ۱۴ در این مورد با فرمانده گردانش صحبت کرد و رمز الحاق را به او گفت، به برادر احمد خبر داد که گردان امام حسن در هلالی سوم متوقف شده و نیرویی ندارد که برای الحاق به طرف پل بفرستد. بالاخره قرار شد با کلت گلوله منوری شلیک کنند تا فاصله نیروهای دو لشکر مشخص شود. بعد از اینکه فرمانده گردان امام سجاد از لشکر ۸ منور را شلیک کرد، فرمانده گردان لشکر ۱۴ گفت که اگر نیروهای لشکر نجف ۱۵۰ متر به طرف سمت راست بیایند، الحاق ایجاد می شود. این موضوع را به فرمانده گردان لشکر ۸ گفتند و از او خواسته شد هرچه سریع تر الحاق نماید. فرمانده قرارگاه قدس که از این موضوع آگاه بود به برادر کاظمی و برادر خرازی هشدار داد:

«قرار نیست اینجا (جاده شلمچه) بمانیم.»

و از آنها خواست که در پیشروی به سمت اروند سرعت به خرج دهند.

تلاش گردان امام سجاد (از لشکر ۸) برای عبور از پل جاده شلمچه جهت رفتن به غرب نهر دوعیجی و الحاق با لشکر ۱۴ ادامه داشت، ولی نیروهای این گردان با آتش شدید دشمن که از غرب دوعیجی اجرا می شد، مواجه بودند. فرمانده این گردان در ساعت ۴۰ دقیقه بامداد خبر داد که یک ستون تانک دشمن روی امتداد جاده شلمچه در غرب دوعیجی به طرف پل در حرکت هستند. سپس وی درخواست مهمات کرد، که به زرهی لشکر ۸ دستور داده شد یک خشایار مهمات برای آنها و همچنین یک خشایار مهمات برای نیروهای لشکر ۱۴ ببرد.

در ساعت ۱:۳۰ بامداد مسئول محور لشکر ۸ که از خط برگشته بود، گزارش داد که گردان امام سجاد در سرپل (تقاطع جاده شلمچه و نهر دوعیجی) درگیر است و تاکنون دو گروهانش را آنجا خرج کرده است ولی نتوانسته از پل عبور کند و نیروهای لشکر ۱۴ که آن طرف هستند تا پل ۳۰۰ متر فاصله دارند. وی

اضافه کرد در سمت چپ هم هنوز با لشکر ۱۷ الحاق برقرار نشده است و نیروهای لشکر ۱۷ تا جاده شلمچه مستقیم به طرف پایین رفته اند به طوری که تیربارهای دشمن در وسط مانده است و نه جلوی کانال ۹ پل و نه روی جاده شلمچه بین لشکر ۸ و لشکر ۱۷ الحاقی وجود ندارد. وی گفت که به هر دو گردان لشکر ۸ تأکید کرده که برای الحاق تلاش کنند.

ز- پی بردن به اشتباه

تلاش برای الحاق بین لشکرها ادامه داشت. برای رفع کمبود مهمات، دو خشایار حامل مهمات برای دو لشکر ۸ و ۱۴ فرستاده شد. خشایاری که برای نیروهای لشکر ۸ مهمات می برد، هدف قرار گرفت و راننده اش شهید شد. فرمانده گردان های درگیر مکرراً درخواست می کردند که مجروحان تخلیه شوند. از آغاز بامداد روز ۱۳۶۵/۱۰/۲۰ سه ساعت و بیست دقیقه گذشته بود و فرصت به سرعت سپری می شد. فرماندهان از سد شدن پیشروی نیروها و عدم الحاق بین لشکرها به شدت نگران بودند. در همین زمان بین فرمانده لشکر ۸ و جانشین لشکر ۱۴ بحثی در زمینه الحاق صورت گرفت که در این بحث مشخص شد نیروهای لشکر ۱۴ در حدود پل بین هلالی دوم و سوم مستقر هستند، در صورتی که نیروهای لشکر ۸ سعی می کردند از پل جاده شلمچه که بین هلالی چهارم و پنجم بود عبور کنند، در حالی که نیروهای دشمن در غرب نهر دوعیجی از حدود هلالی سوم به بعد متمرکز بودند و به شدت فعالیت می کردند. قبل از آن، وقتی مطرح می شد که نیروهای لشکر ۱۴ در هلالی سوم درگیر هستند، بارها فرمانده قرارگاه قدس و دیگر فرماندهان می گفتند که:

«اگر چنین باشد پس نیروهای لشکر ۸ باید به راحتی بتوانند از پل عبور کرده، با نیروهای لشکر ۱۴ الحاق کنند، چون هلالی سوم بعد از پل است.»

و با توجه به اینکه نیروهای لشکر ۸ از شدت و تمرکز آتش دشمن در غرب پل خبر می دادند، حضور نیروهای لشکر ۱۴ در هلالی سوم مورد شک واقع می شد. بعد از پی بردن به اشتباه فوق، فرمانده لشکر ۸ مسئول محور و مسئول اطلاعات خود را

مأمور ایجاد الحاق با لشکر ۱۴ کرد؛ به این صورت که یک دسته از نیروهای گردان امام سجاد را که روی جاده شلمچه و سرپل این جاده بودند، برای حفظ این سرپل و جلوگیری از نفوذ نیروهای دشمن از غرب به شرق نهر دوعیجی در آنجا باقی بگذارند و بقیه نیروها حدود هفتصد متر به عقب برگشته، روی پلی که بین هلالی دوم و سوم بود با نیروهای لشکر ۱۴ الحاق کنند. از سوی دیگر، وقتی جانشین لشکر ۱۴ با فرمانده گردانش در خط تماس گرفت تا این موضوع را برای وی روشن کند، فرمانده گردان امام حسن خبر داد نیروهایی از این گردان که در هلالی سوم با دشمن درگیر بوده اند، از آنجا برگشته و در هلالی دوم مستقر شده اند. برگشت نیروها از هلالی سوم، الحاق را که به نظر می رسید بین لشکر ۸ و لشکر ۱۴ در موضع جدید به سادگی انجام گیرد، دچار مشکلات می کرد.

به پیشنهاد فرمانده لشکر ۸ به توپخانه و ادوات دستور تشدید آتش روی نیروهای دشمن داده شد و به گردان امام حسن هم گفته شد که برای الحاق با لشکر ۸ روی پل (بین هلالی دوم و سوم) هرچه سریع تر اقدام کند.

ح- ادامه تلاش برای الحاق لشکر نجف و لشکر علی بن ابی طالب

در حالی که ساعت ۴ بامداد نزدیک می شود و هنوز بین لشکر ۸ و لشکر ۱۷ الحاق نشده است، فرمانده لشکر ۸ با فرمانده گردان علی اصغر (که نیروهایش در جنوب کانال ۹ پل مستقر بودند و با مقری از دشمن بین پل پنجم و ششم که هنوز پاک سازی نشده بود درگیر بودند) تماس گرفت و از او خواست پس از پاک سازی مقر دشمن هرچه سریع تر در جنوب کانال با لشکر ۱۷ الحاق کند و به سرعت به طرف جاده شلمچه برود و در سمت راست با گردان امام سجاد و در سمت چپ با لشکر ۱۷ الحاق کند. برادر کاظمی به وی (فرمانده لشکر ۱۷) یادآوری کرد:

«شما بایستی تدبیر کنید مقر دشمن را سقوط بدهید؛ این وسط جبهه است، راه همه را می بندد. زودتر به طرف پایین حرکت کرده و از دو طرف روی جاده الحاق کنید. اگر چیزی از جاده (شلمچه) دست دشمن بماند، مکافات درست می شود، سریع

ادامه داده، حل کنید.»

فرمانده لشکر ۸ در ادامه این کار، جانشین خود را برای پیگیری این الحاق نزد فرمانده لشکر ۱۷ فرستاد و به مسئول محور خود هم گفت به سراغ نیروهای درگیر برود و گردان های امام سجاد و علی اصغر را برای الحاق با لشکر ۱۴ و لشکر ۱۷ بسیج کرده، هر چه سریع تر خط ها را اصلاح کند و حتی اگر توی دشمن هم هست هیچ چاره ای جز الحاق وجود ندارد.

به دنبال پیگیری برای الحاق لشکر ۸ و لشکر ۱۷، فرمانده لشکر ۱۷ در ساعت ۴:۳۵ بامداد به سنگر برادر کاظمی آمد و پس از بحثی در این باره، برای مشخص شدن محل و فاصله نیروهای دو لشکر قرار شد که فرماندهان گردان ها گلوله منور شلیک کنند. بعد از شلیک منور معلوم شد که نیروهای لشکر ۱۷ بیش از حد به طرف راست آمده اند، ولی نیروهای لشکر ۸ تا حد مشخص شده نرفته اند، بنابراین به نیروهای گردان علی اصغر (لشکر ۸) گفته شد سریع تر به طرف چپ رفته، به نیروهای لشکر ۱۷ برسند.

سرانجام بعد از ساعت پنج بامداد تعدادی از نیروهای این دو لشکر به هم رسیدند، ولی این الحاق کاملی نبود و علاوه بر آن، مقر دشمن بین پل پنجم و ششم هنوز پاک سازی نشده بود و عراقی ها در آن مقاومت می کردند.

ط- آخرین تلاش ها

بین لشکر ۸ و لشکر ۱۷ الحاق ناقصی در جنوب کانال ۹ پل به وجود آمد ولی بین این دو لشکر در خط تماس (آخرین حد پیشروی) یعنی جاده شلمچه هنوز الحاق نشده بود. از طرف دیگر، آنچه موجب نگرانی بیشتری می شد، نزدیکی صبح و عدم الحاق بین لشکر ۸ و لشکر ۱۴ بود. به دنبال پی بردن به اشتباه، به نیروهای لشکر ۸ دستور داده شد که کمی به عقب برگردند و روی پل قبل از جاده شلمچه با لشکر ۱۴ الحاق کنند. نیروهای لشکر ۸ در برگشت به عقب، از سه سمت با انواع آتش دشمن مواجه شدند و علاوه بر آن، به گفته فرمانده این نیروها جاده خاکی که به پل فوق منتهی می شد، حدود پنجاه تا هفتاد سانتیمتر ارتفاع داشت و به این سبب قابل پدافند نبود و با توجه

به وضعیت منطقه و عدم پاک سازی کامل، ایستادن نیروها پشت این جاده امکان نداشت برای رفع این معضل فرمانده لشکر ۸ فشار بیشتری را بر گردان امام سجاد برای الحاق با لشکر ۱۴ و لشکر ۱۷ شروع کرد. نزدیک ساعت شش بامداد برادر کاظمی در تماسی با فرمانده این گردان از وی خواست که برای الحاق با لشکر ۱۴ و لشکر ۱۷ در پشت جاده خاکی مزبور، تلاش خود را افزایش دهد. فرمانده گردان امام سجاد که زخمی شده بود باز هم خبر از حضور نیروهای دشمن در اطراف و باقی مانده مقرهای آنها داد.

ی- آخرین وضعیت

نیروهای گردان امام سجاد (از لشکر نجف) در برگشت از پشت جاده شلمچه برای الحاق با لشکر ۱۴، به مقری از نیروهای دشمن برخوردند که به علت نبودن جان پناه و خاکریز دچار ضایعات زیادی شدند و امکان الحاق به دست نیامد. علاوه بر آن، به علت اینکه نیروهای لشکر ۸ و لشکر ۱۷ حد فاصل کانال ۹ پل و جاده شلمچه را کاملاً پاک سازی نکرده بودند، در این محدوده سنگرها و مقرهایی از دشمن مانده بود و نیروهای خودی از چند طرف در معرض آتش آنها قرار داشتند. در جناح چپ جاده شلمچه هم الحاقی با لشکر ۱۷ صورت نگرفت و نیروهای لشکر ۸ و لشکر ۱۷ تنها موفق به الحاق ناقصی در پایین کانال ۹ پل شدند. فرمانده گردان امام سجاد که مجروح شده بود، در آخرین تماس خود وضعیت ناامید کننده ای (از ضایعات زیاد، پراکندگی نیروها و اتمام مهمات و نبودن موضع قابل پدافند) گزارش کرد. همان طور که ذکر شد خشایار حامل مهمات برای لشکر ۸ مورد اصابت قرار گرفت و تا آن ساعت مهمات به نیروهای لشکر ۸ نرسیده بود. شهیدان و مجروحان نیز در منطقه درگیری باقی مانده بودند و جان مجروحان تهدید می شد.

علاوه بر آنچه از وضعیت دو لشکر نجف و امام حسین ذکر شد، عدم انتقال دستگاه های مهندسی که در موارد لازم برای نیروها خاکریز و جان پناه درست کند، نبودن شناسایی و اطلاعات کامل از منطقه درگیری و... رانیز باید اضافه کرد.

۵) جمع بندی عملیات شب اول قرارگاه قدس (شب دوم عملیات کربلای ۴)

عملیات یگان های قرارگاه قدس (لشکر ۸ و لشکر ۱۴) با هدف رسیدن به اروند صغیر از حدود ساعت ۲۱:۲۰ تا ۲۱:۴۵/۱۹ آغاز شد. اولین گردان لشکر ۱۴ که در جناح راست (غرب نهر دوعیجی) عمل می کرد در ساعت اول درگیری با توجه به گیجی نیروهای دشمن و ناتوانی آنها در دو موضع هلالی اول و دوم، توانست به سرعت پیشروی کند و در این موضع مستقر شود، ولی در ادامه، بر اثر مقاومت نیروهای دشمن از پیشروی باز ماند و در همان دو موضع به پدافند پرداخت. در فاصله دو سه ساعته تا رسیدن گردان دوم لشکر ۱۴ به نقطه درگیری، دشمن با تجمعی که از نیروهایش در هلالی سوم به وجود آورده بود، به مقابله شدید با نیروهایی که قصد پاک سازی این موضع را داشتند پرداخت و جلوی پیشروی آنها را سد کرد. در جناح چپ منطقه مأموریت قرارگاه قدس (شرق نهر دوعیجی و جنوب کانال ۹ پل)، دو گردان از لشکر ۸ نجف وارد شد که اولین گردان پایین کانال ۹ پل و سرپل هارا از غرب به شرق به سادگی در ساعت اول درگیری پاک سازی کردند، اما در حدود پنجمین پل به مقر بزرگی از دشمن برخوردند که پیشروی آنها را سد کرد. دشمن در این مقر نیروهای بسیاری داشت که با استفاده از انواع تیربار و خمپاره و دیگر تسلیحات توانستند تا صبح مقاومت کنند و تلاش های نیروهای خودی برای تصرف آن به جایی نرسید، تا اینکه با روشن شدن هوا و پیشروی هماهنگ نیروهای لشکر ۸ و لشکر ۱۷ به طرف این مقر، در اوایل صبح مقاومت آنها در هم شکست و مجبور به تسلیم شدند. گردان دوم لشکر ۸ با عبور از گردان اول به طرف جنوب حرکت کرد تا با لشکر ۱۴ و لشکر ۱۷ در پشت جاده شلمچه الحاق کند. این گردان با پیشروی سریع و بدون پاک سازی کامل مقرهایی که در حد فاصل کانال ۹ پل و جاده شلمچه بود خود را به این جاده رساند و با حرکت از کنار جاده به طرف غرب، تلاش بسیاری کرد که از پل بگذرد و به لشکر ۱۴ ملحق شود، اما با آتش شدید دشمن روبه رو شد و نتوانست از پل عبور کند. اشتباه فاحشی

که مانع الحاق دو لشکر ۸ و ۱۴ گردید این بود که فرماندهان قرارگاه قدس و لشکر ۸ و لشکر ۱۴ پل بین هلالی دوم و سوم را با پل جاده شلمچه که بین هلالی چهارم و پنجم بود اشتباه گرفته بودند و تصور می کردند نیروهای لشکر ۱۴ که از هلالی دوم گذشته و در هلالی سوم درگیر بودند روبه روی نیروهای لشکر ۸ در آن طرف نهر هستند، به همین دلیل ساعت هافشار بر نیروی دو طرف نهر بود که با هم الحاق کنند. پس از پی بردن به اشتباه، به نیروهای لشکر ۸ دستور داده شد که مقداری به عقب برگشته و با لشکر ۱۴ در روی پل بین دو هلالی دوم و سوم الحاق کنند، ولی این نیروها هنگام برگشت به طرف این پل، با مقر پاک سازی نشده ای از دشمن و آتش بسیاری که از جهات مختلف به روی آنها می ریخت، مواجه گردیدند و متحمل تلفات فراوانی شدند و موفق به الحاق با لشکر ۱۴ نشدند. همچنین در جناح چپ، نیروهای لشکر ۸ و لشکر ۱۷ به علت عدم گسترش نیروها و پیشروی آنها به صورت ستونی، موفق به الحاق با یکدیگر در پشت جاده شلمچه نشدند و تنها الحاق ناقصی بین این دو لشکر در جنوب کانال ۹ پل به وجود آمد. علاوه بر اینها، نیروهای لشکر ۳۱ در انجام دادن مأموریت خود (عبور از نیروهای لشکر ۱۴ در نوک کانال ماهی و الحاق با لشکر ۲۵) موفق نشدند و این ناکامی موجب تهدید عقبه نیروهای عمل کننده لشکر ۱۴ گردید. درخواست و پافشاری فرمانده قرارگاه قدس از حدود ساعت ۲۳:۳۰ یعنی از زمانی که پیشروی نیروهای درگیر رو به کندی گذاشت، برای اینکه لشکرهای ۸ و ۱۴ گردان تازه نفس وارد کنند تا با در هم شکستن مقاومت دشمن، به سرعت پیشروی کنند، نتیجه ای نبخشید و فرماندهان این دو لشکر می گفتند که برای وارد کردن نیروی جدید آمادگی ندارند.

آتش خودی شامل توپخانه های قرارگاه قدس، لشکر ۸، لشکر ۱۴ و تیپ ۴۴ و همچنین چند دستگاه مینی کاتیوشا در تمام طول عملیات کم و بیش ادامه داشت و با درخواست فرماندهان شدت می گرفت. آتش ها به صورت مختصاتی اجرا می شد، زیرا این امکان نبود که دیده بان آن را هدایت کند و با توجه به نزدیک بودن مواضع خودی به دشمن، رزمندگان از اینکه هدف

آتش خودی قرار می گرفتند، شکایت می کردند.

سرانجام تصمیم به عقب نشینی گرفته شد. دلایل این تصمیم گیری به طور خلاصه چنین است: عدم الحاق بین لشکرها، نبودن موضع قابل پدافند برای نیروهای لشکر ۸ و لشکر ۱۷، فشار و آتش دشمن از چند طرف روی نیروهای عمل کننده، تهدید عقبه ها، تحلیل رفتن توان گردان ها، نرسیدن مهمات به لشکر ۸، حاضر نبودن دستگاه های مهندسی برای ایجاد موضع پدافندی و موانع نفوذ دشمن، آماده نبودن تانک و دیگر دستگاه های زرهی برای مقابله با مواضع محکم دشمن، عدم تخلیه مجروحان لشکر ۱۴ (که موجب تضعیف روحیه دیگر نیروها می شدند)، سد شدن پیشروی نیروها و نداشتن مواضع پدافندی. عقب نشینی به این ترتیب انجام شد:

۱- عقب نشینی لشکر ۱۴ از دومین هلالی غرب نهر دوعیجی و پدافند در هلالی اول.

۲- عقب نشینی لشکر ۸ از پشت جاده شلمچه و شمال آن و پدافند در پشت سیل بند جلوی کانال ۹ پل.

۳- عقب نشینی لشکر ۱۷ از پشت جاده شلمچه و شمال آن (جناح چپ لشکر ۸) و پدافند در پایین تر (جنوب تر) از سیل بند جلوی کانال ۹ پل که در جناح لشکر ۸ وجود داشت.

شب دوم عملیات قرارگاه قدس

پیشروی تا جاده شلمچه؛ عملیات موفق زرهی و مهندسی

(۱) فعالیت نیروهای خودی و دشمن در طول روز دوم عملیات (۱۳۶۵/۱۰/۲۰)

با شروع روشنایی روز شنبه ۱۳۶۵/۱۰/۲۰ و پس از برگشت نیروهای لشکرهای امام حسین، ۸ نجف، ۱۷ اعلی بن ابی طالب و ۵ نصر به خطوط تعیین شده، اقدامات پشتیبانی نیروها و تخلیه شهیدان و مجروحان نظم و سرعت بیشتری پیدا کرد و به توپخانه و ادوات دستور داده شد علاوه بر شدت بخشیدن به آتش، آن را کوتاه تر کنند تا از بازگشت نیروهای دشمن به مواضع قبلی جلوگیری شود. از طرف دیگر، دشمن نیز بر حجم آتش خود، مخصوصاً روی نیروهای عمل کننده، افزود و فشار زیادی را برای بازپس گیری هلالی اول (غرب نهر دوعیجی)

در پی الحاق لشکر نجف و تیپ قمر بنی هاشم، فرمانده قرارگاه قدس با حضور در جمع برادران کاظمی، زاهدی و ابوشهاب، درباره ادامه عملیات از فرماندهان حاضر نظرخواهی کرد. فرماندهان ضمن تأیید اهمیت طرح جدید، مشکل کمبود توان برای حفظ خطوط پاک سازی شده و مقابله با انبوه نیروهای دشمن را مطرح کردند.

آغاز کرد.

در طول شب گذشته انبوهی از امکانات (تانک، نفربر، خشایار، لودر، بولدوزر، وانت و جیپ و...) و نیروهای بسیاری از یگان های مختلف به منطقه عملیاتی انتقال یافتند و با بی نظمی در کنار دژ عراق و داخل کانال واقع در پنج ضلعی مستقر شدند، به طوری که شلوغی و غوغای شدیدی برپا شده بود و با وجود نیاز مبرم به امکانات مختلف، به علت نداشتن سازمان مشخص و نبودن مسئولان آنها، نه تنها قابل استفاده نبودند بلکه موجب کندی دیگر کارها مثل تردد آمبولانس ها و غیره شده بودند و افراد مسئولی برای سازماندهی آنها وجود نداشت، با ذکر جمله ای از فرمانده لشکر نجف می توان تا حدودی به وضعیت و میزان نیروهای پراکنده در کنار دژ پی برد:

«اگر نیروهایی که در این اطراف پراکنده و در حال رفت و آمد هستند هر کدام یک تیر به عراقی ها می زدند، عراقی ها فرار می کردند!»

البته به علت سردرگمی دشمن و مشغول بودن به جبهه غربی عملیات (منطقه کانال ماهی) و فعالیت هایی که در خط داشت و وحشی که از احتمال عبور ما از اروندرود (جنوب منطقه عملیاتی) براو حاکم بود، توان اجرای آتش پر حجم و مؤثر روی این نیروها و امکانات، از او سلب شده بود؛ در غیر این صورت، خسارات جبران ناپذیری وارد می شد.

در طول روز فعالیت های دیگری نیز انجام گرفت؛ از جمله اینکه طبق دستور فرماندهان لشکرهای امام حسین و نجف، واحدهای مختلف این دو لشکر و همچنین مسئولان گردان هایی که قرار بود در ادامه عملیات وارد نبرد شوند به تدریج به منطقه توجیه و آشنا می شدند و خود را برای اجرای عملیات آماده می کردند، ضمن اینکه واحدهای مهندسی تا حد ممکن به مستحکم کردن خاکریزها، مرمت و یا احداث جاده و سکو برای تانک و سایر تسلیحات پرداختند و همچنین تانک ها و ادوات مختلف با استقرار در خط، برای جلوگیری از تحرکات دشمن می کوشیدند. قبل از ظهر خبر فعال شدن تانک های دشمن و تلاش برای استقرار در هلالی دوم رسید که با مقابله نیروهای خودی متوقف شدند، ولی بعد از ظهر فشار دشمن در غرب نهر دوعیجی شدت یافت طوری که در ساعت ۱۶ اولین موضع هلالی شکل غرب نهر دوعیجی نیز به دست دشمن افتاد. علاوه بر افزایش فشار دشمن در خطوط درگیری، از حدود بعد از ظهر اجرای آتش بر عقبه های خودی مخصوصاً منطقه پنج ضلعی شدت گرفت. از طرف دیگر، طبق گزارش واحد شنود، دشمن یکی از یگان های خود را مأمور حفاظت اولین پل کانال ۹ پل کرده بود. در طول روز علاوه بر آتش های زمینی که نیروهای خودی و دشمن اجرا می کردند، هواپیماهای خودی و دشمن چندین بار مناطق یکدیگر را بمباران کردند، ولی دشمن از این طریق نتوانست ضربات اساسی به قوای خودی وارد کند.

۲) طرح ریزی عملیات شب دوم قرارگاه قدس

ضرورت ادامه عملیات بر کسی پوشیده نبود و علی رغم کاهش توان یگان ها و مقابله شدید دشمن با پیشروی نیروهای خودی، فرماندهان بر دست یابی به اهداف عملیات تأکید می کردند و خط و موقعیت فعلی را مناسب نمی دانستند.

فرمانده قرارگاه قدس وقتی وضعیت را چنین دید، در صدد پیدا کردن راه حلی برآمد. فرماندهان یگان ها بر این نظر بودند که با این وضعیت، در روز نمی توان عملیات را ادامه داد و نیروهای خودی در شب کارایی بیشتری دارند؛ از طرفی وحشت دشمن در شب بیشتر است. به دنبال این اظهار نظر، بحث چگونگی ادامه عملیات در شب شروع شد.

با توجه به اینکه نیروهای دو لشکر ۲۵ کربلا و ۴۱ ثارالله دو شبانه روز است که در حال مقابله با فشار سنگین دشمن در جبهه غربی (کانال ماهی) هستند و احتمال اینکه نتوانند بیش از این در آنجا بایستند و دشمن با آسودگی خاطر از آن جبهه، همه توانش را برای مقابله با جبهه شرقی (پایین پنج ضلعی) به کار گیرد، وجود داشت، نظر فرمانده قرارگاه قدس این است که امشب به هر قیمتی شده یگان های قرارگاه قدس و قرارگاه نجف باید با تصرف دومین خط دشمن (خط کنار دوعیجی)، خود را به رودخانه ارونند برسانند و با بستن عقبه های دشمن که به این جبهه متصل می شود، نیروهای عراقی را در این منطقه به محاصره خود درآورند. بعد از بحث بین فرماندهان و اظهار نظرهای مختلف، و بررسی موضوع، فرمانده قرارگاه قدس طرح مانور را به صورت زیر اعلام کرد:

مأموریت تیپ ۴۴ قمرینی هاشم: پیشروی در سمت چپ (غرب) نهر دوعیجی و پاک سازی مواضع هلالی شکل دشمن تا جاده آسفالت شلمچه، یعنی تا پنجمین موضع هلالی.

مأموریت لشکر ۸ نجف: پیشروی در سمت راست (شرق) نهر دوعیجی و پاک سازی این قسمت تا جاده آسفالت شلمچه به اضافه پنجمین موضع هلالی در غرب نهر دوعیجی.

مأموریت لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب: این لشکر در جناح چپ لشکر نجف و هماهنگ با آن تا جاده آسفالت شلمچه را پاک سازی می کند، همچنین یگان دیگر قرارگاه نجف یعنی لشکر ۵ نصر در جناح چپ لشکر ۱۷ پیشروی می کند.

بعد از رسیدن یگان های فوق به جاده آسفالت شلمچه که به عنوان خط هماهنگی تعیین شد ادامه مأموریت یگان ها چنین تعیین شد: لشکر نجف با گذشتن از نهر دوعیجی (یعنی از پل

تقاطع نهر دوعیجی و جاده شلمچه) و با پیشروی در غرب این نهر به سمت جنوب، سه موضع هلالی دشمن را در پایین جاده شلمچه پاک سازی می کند (یعنی مواضع هلالی پنجم و ششم و هفتم). لشکر امام حسین مأموریت داشت که در ادامه مأموریت لشکر نجف، مواضع بعدی دشمن (سه موضع هلالی باقی مانده) را پاک سازی کرده، تا حدود جزیره بوارین پیشروی نماید. لشکر علی بن ابی طالب بعد از رسیدن به جاده شلمچه، هماهنگ با یگان های دیگر، مأموریت داشت که حد فاصل نهر دوعیجی و جاده آسفالت شرق آن را (جاده ای که عمود بر جاده شلمچه به طرف بوارین می رفت) پاک سازی کرده، تا اروند پیشروی نماید.

نکته مهمی که فرمانده قرارگاه قدس تأکید زیادی بر آن داشت و چند بار به فرماندهان یگان ها یادآور شد، به کارگیری دستگاه های مهندسی برای احداث خاکریز، ترمیم جاده ها، پر کردن کانال ها همزمان با پیشروی نیروها و فعال کردن نیروهای تخریب برای شناسایی میدان های مین و باز کردن سیمهای خاردار و همچنین به کارگیری تانک و نفربرهای زرهی برای پشتیبانی نیروهای پیاده و دستگاه های مهندسی بود.

به دنبال مشخص شدن طرح مانور، فرماندهان یگان ها به تدریج مسئولان گردان ها و واحدهای مهندسی و زرهی را به طرح توجیه و به آنها تأکید می کردند که آمشب جنگ سختی در پیش است که نیاز به از خود گذشتگی و مقاومت فوق العاده دارد.

وضعیت کلی دشمن: طبق گزارش واحد شنود قرارگاه قدس وضعیت کلی دشمن تا حدود ساعت ۱۹ امروز به این شرح بود: تیپ ۲ نیروی مخصوص سپاه چهارم که ظهر روز گذشته وارد منطقه شده و شب گذشته به خط درگیری آمده بود، کاملاً منهدم شده است. تیپ ۶۵ نیروی مخصوص ۸۰ درصد منهدم شده، همچنین تیپ ۸ مکانیزه و تیپ های ۴۲۱ و ۴۲۹ تقریباً منهدم شده اند. دشمن امروز از منطقه ام الرصاص تانک هایش را به سمت بصره انتقال می داده، همچنین ستون هایی از نیرو و

خودرو از فاو به طرف منطقه عملیاتی در حرکت هستند. دشمن در حالی که لشکرهای سازمانی دست نخورده دارد، مشغول جمع آوری یگان های پراکنده خود و اعزام آنها به این منطقه می باشد. تیپ ۱۰۲ دشمن که شب گذشته وارد منطقه شده است هنوز وارد عمل نشده و آماده است. عموماً گفته می شود که زمین منطقه قابل عبور تانک نیست و تانک ها متکی به جاده هستند.

۳) شرح عملیات شب دوم قرارگاه قدس

عصر روز ۱۳۶۵/۱۰/۲۰ نیروهای عمل کننده لشکر نجف و تیپ قمرینی هاشم عازم خط مقدم شدند تا علاوه بر آمادگی برای شروع عملیات در ساعت مقرر، قبل از تاریکی هوا حتی الامکان منطقه عملیاتی و وضعیت جبهه را از نزدیک مشاهده کنند. به منظور فریب دشمن، فرمانده لشکر نجف در ساعت ۱۹:۱۰ طی تماسی از فرمانده گردان ها خواست تا فرمان استراحت کامل و آماده کردن سلاح ها را به نیروها بدهند که فردا برای مقابله با پاتک های دشمن آماده باشند.

با شروع تاریکی هوا، از ساعت ۱۹:۰۷ هواپیماهای دشمن ریختن منورهای پر دوام را بالای خطوط شروع کردند که به دنبال آن برای جلوگیری از دید نیروهای عراقی، برادر کاظمی به توپخانه لشکر ۸ دستور شلیک گلوله های فسفوری در خط مقدم دشمن را داد تا نیروهای خودی در حین عبور از خط و ورود به منطقه حضور دشمن، از دید آنها مصون بمانند و علاوه بر آن، به تصور اینکه گازهای شیمیایی است، در بین نیروهای دشمن ایجاد وحشت نمایند.

از حدود ساعت ۱۹:۳۰، یعنی قبل از شروع درگیری نیروها، آتش دشمن به شدت افزایش یافت و خط مقدم و راه های اتصالی به آن زیر انواع آتش قرار گرفت. با وجود این، از حدود ساعت ۱۹:۴۰ نیروهای تیپ قمرینی هاشم و به دنبال آن نیروهای لشکر نجف عازم منطقه مأموریت خود شدند و طبق دستور قبلی فعالیت توپخانه های خودی شدت یافت و جاده شلمچه و جنوب آن زیر آتش مینی کاتیوشاها قرار گرفت. در ساعت ۱۹:۵۰ درگیری تیربارها در اطراف نوک کانال ماهی

شدت گرفت و تانک های عراقی از ساعت ۲۰ تحرکات و آتش خود را شروع کردند.

در ساعت ۲۰ فرمانده تیپ قمر بنی هاشم ضمن اعلام اینکه اولین موضع هلالی دشمن در غرب نهر دوعیجی تأمین شده، از فرمانده لشکر نجف خواست که درگیری با دشمن را در شرق دوعیجی زودتر شروع کند. به دنبال آن، برادر کاظمی به فرمانده گردان دستور تسریع حرکت نیروها را داد و همچنین به فرمانده گردان تانک دستور داد که تانک ها به دنبال نیروهای پیاده حرکت کرده، به محض شروع فعالیت تانک های دشمن، آنها را هدف قرار دهند. در همین احوال، آتش توپخانه و ادوات دشمن شدت بیشتری گرفت به طوری که به توپخانه های قرارگاه قدس و یگان های تابعه دستور داده شد تا بی وقفه و با حجم بیشتری اجرای آتش کنند.

در ساعت ۲۰:۳۰ در حالی که نیروهای لشکر نجف در شرق نهر دوعیجی به طرف جاده آسفالت شلمچه پیش می رفتند، فرمانده لشکر به تانک ها دستور داد ضمن حرکت پشت سر نیروهای پیاده، از خود تحرک بیشتری نشان دهند. وی همچنین به مسئولان نفربرهای زرهی و دستگاه های مهندسی تأکید کرد که به دنبال تانک ها حرکت کنند. هر چند در منطقه مأموریت لشکر نجف نیروهای پیاده دشمن حضور چندان فعالی نداشتند، ولی تانک های دشمن بسیار فعال بودند. تا ساعت ۲۰:۳۵ هنوز از درگیری یگان های قرارگاه نجف (لشکر ۵ و لشکر ۱۷) که در جناح چپ لشکر نجف مأموریت داشتند) با دشمن خبری نبود؛ فرمانده لشکر نجف ضمن اعتراض به این مسئله، از فرمانده قرارگاه قدس خواست که این موضوع را پیگیری نماید. از طرف دیگر، نیروهای تیپ قمر بنی هاشم به دنبال پاک سازی اولین موضع هلالی دشمن در غرب نهر دوعیجی، در هلالی دوم درگیر شده بودند. فرمانده این تیپ در تماسی با قرارگاه قدس درخواست کرد که لشکر عاشورا مأموریت خود یعنی پاک سازی نوک و گوشه کانال ماهی را شروع کند تا علاوه بر کاهش فشار وارده بر تیپ قمر بنی هاشم، از تهدید عقبه این تیپ جلوگیری شود.

در ظرف کمتر از یک ساعت از زمان شروع حرکت، در ساعت ۲۰:۴۷ اولین گردان لشکر نجف (گردان چهارده معصوم) اعلام کرد که به خط هماهنگی (جاده آسفالت شلمچه) رسیده است. این خبر علاوه بر تقویت روحیه ها، فرماندهان را به ادامه عملیات مصمم تر کرد. به دنبال آن، به مهندسی لشکر نجف دستور داده شد که احداث خاکریز در کنار جاده شلمچه را زودتر شروع کند. همچنین در ساعت ۲۱، لشکر علی بن ابی طالب اعلام کرد که به جاده شلمچه رسیده است. فرمانده قرارگاه قدس ضمن اعلام این خبر به فرمانده لشکر نجف، از وی خواست که سریع تر با لشکر ۱۷ الحاق نماید و برادر کاظمی دستور این کار را به نیروهای خود داد.

به رغم پیشروی سریع لشکر ۸ و لشکر ۱۷ و دستیابی آنها به هدف اولین مرحله عملیات، نیروهای تیپ قمر ۴۴ با فشار دشمن روبه رو شدند و در هلالی دوم در حال مقابله با دشمن بودند. فرمانده قرارگاه قدس برای رفع این مشکل، به فرمانده تیپ ۴۴ پیشنهاد کرد که گردان دوم خود را از مسیر لشکر ۸ عبور بدهد و از پایین به مقابله با دشمن بپردازد. وی همچنین در تماسی با فرمانده نیروی زمینی ضمن گزارش وضعیت تیپ قمر بنی هاشم، گفت لازم است لشکرهای عاشورا و ولی عصر به کار خود سرعت بخشند تا فشار دشمن روی تیپ ۴۴ کاهش یابد و راه پیشروی او باز شود.

در ساعت ۲۱:۱۵ اعلام شد که بین نیروهای لشکر ۸ و لشکر ۱۷ در پشت جاده شلمچه الحاق شده است. قبل از این هم نیروهای لشکر ۸ اعلام کردند که چند تانک دشمن را منهدم کرده اند. به دنبال الحاق فوق و همچنین رسیدن دستگاه های مهندسی به جاده، دستور احداث سریع خاکریز داده شد و به زرهی هم برای پشتیبانی از کار مهندسی تأکید شد.

در حالی که انواع آتش دشمن به شدت روی نیروهای عمل کننده خودی و عقبه ها اجرا می شد و آمبولانس ها برای تخلیه مجروحان و شهدا فعال بودند، به فرمانده تیپ قمر بنی هاشم برای رسیدن نیروهای این تیپ به جاده شلمچه بسیار تأکید می شد. از طرف دیگر، با توجه به اهمیتی که این منطقه

داشت، دشمن توان زیادی به کار گرفت تا از دست یابی نیروهای تیپ قمر بنی هاشم به جاده شلمچه و الحاق این تیپ با نیروهای لشکر نجف، یعنی اتصال شرق نهر دوعیجی به غرب آن و سقوط جاده، جلوگیری کند. نیروهای تیپ قمر بنی هاشم از شدت آتش دشمن و فعالیت تانک های او که در حد فاصل نهر دوعیجی و نهر جاسم در تحرک بودند شکایت می کردند. با وجود این، اجرای انواع آتش دور و نزدیک عقبه های او، همچنین فعالیت تانک های لشکر نجف و تلاش نیروهای تیپ قمر بنی هاشم سبب شد تانیر و های دشمن به تدریج عقب بروند و مواضع آنها به دست نیروهای این تیپ پاک سازی شود. در ساعت ۲۱:۲۳ واحد شنود خبر داد که نیروهای عراقی از هلالی سوم فرار می کنند و در ساعت ۲۲:۱۳ نیروهای تیپ قمر بنی هاشم با پاک سازی کامل هلالی سوم، حرکت به طرف چهارمین موضع هلالی شکل را آغاز کردند.

دشمن علاوه بر فعالیت های خود در غرب دوعیجی، تلاش می کرد تا از تثبیت موضعی که لشکر ۸ و لشکر ۱۷ تصرف کرده بودند، جلوگیری کند؛ یعنی با به کارگیری تانک ها و تیربارها از داخل نخلستان های پایین جاده شلمچه سعی می کرد از فعالیت دستگاه های مهندسی برای احداث خاکریز جلوگیری کند، ولی با از خود گذشتگی برادران مهندسی لشکر ۱۷ و مهندسی لشکر ۸ و همچنین نیروهای جهاد خراسان که مأمور به لشکر نجف بودند دشمن در این کار خود نیز ناکام ماند.

در ساعت ۲۳ با رسیدن نیروهای تیپ قمر بنی هاشم به جاده شلمچه و پاک سازی هلالی چهارم، تلاش نیروهای این تیپ برای الحاق با نیروهای لشکر نجف آغاز شد و در ساعت ۲۳:۳۵ این موفقیت حاصل شد. به این ترتیب بعد از گذشت حدود سه ساعت و ۴۵ دقیقه از شروع عملیات، یگان های قرارگاه قدس و قرارگاه نجف توانستند به هدف مرحله اول خود یعنی جاده شلمچه (خط هماهنگی) نایل شوند. با دست یابی نیروها به این خط، طبق گزارش واحد شنود، دشمن به تانک ها و توپخانه خود دستور عقب نشینی داد که نتیجه آن، کاهش محسوس آتش دشمن که تا دقایقی قبل بسیار شدید بود به خوبی نمایان

با آغاز روشنایی ششمین روز عملیات کربلای ۵، دشمن پاتک سنگین خود را به محور غربی عملیات (محور عملیات قرارگاه کربلا) شروع کرد و با به کارگیری تیپ ۵ لشکر گارد، به مواضع کنار کانال ماهی حمله کرد و تعدادی از این مواضع را باز پس گرفت. به منظور مقابله با این حملات، فرمانده عملیات (محسن رضایی) و فرمانده نیروی زمینی (علی شمخانی) ضمن تماس های مکرر با قرارگاه قدس خواستار تمرکز آتش توپخانه و ادوات این قرارگاه در محور غربی عملیات شدند.

شد. از طرف دیگر، هنوز نوک کانال ماهی گیری پاک سازی نشده بود و جناح تیپ قمر بنی هاشم از این قسمت تهدید می شد.

در پی الحاق لشکر نجف و تیپ قمر بنی هاشم، فرمانده قرارگاه قدس با حضور در جمع برادران کاظمی، زاهدی و ابوشهاب، درباره ادامه عملیات از فرماندهان حاضر نظرخواهی کرد. فرماندهان ضمن تأیید اهمیت طرح جدید، مشکل کمبود توان برای حفظ خطوط پاک سازی شده و مقابله با انبوه نیروهای دشمن را مطرح کردند. سرانجام مقرر شد که تیپ قمر بنی هاشم سمت چپ پل را پاک سازی کند و بعد از آن، لشکر نجف روی جاده شلمچه به سمت غرب پیش برود و به دنبال آن، لشکر امام حسین حرکت کرده، خط سوم دشمن را پاک سازی نماید.

(۴) ادامه عملیات

فرمانده لشکر نجف به فرمانده گردان خود (گردان چهارده

برادر عزیز جعفری افزود:

«ان شاء الله برای فردا شب

نیروی سازماندهی شده و آماده باید

پای کار داشته باشید که عملیات را ادامه دهیم.

عملیات ناقصی زیادی دارد

که وضعیت خطرناکی است،

باید نواقص را رفع کرد.»

(معصوم) ادامه مأموریت را چنین ابلاغ کرد:

«آقای حاج سیداکبر! همان خط سیاه (جاده شلمچه) را بگیر و مستقیم برو تا چهارراه بعدی (تقاطع جاده شلمچه و خط سوم دشمن)؛ وقتی به تقاطع رسیدی شمارو به ارونند پدافند می کنی و لشکر امام حسین می آید (از شما) عبور می کند و به سمت راست (برای پاک سازی خط سوم) می رود.»

فرمانده این گردان خبر داد که نیروهای دشمن در سمت چپ جاده شلمچه (در تقاطع این جاده با خط دوم دشمن) حضور دارند و مشکلاتی برای پیشروی نیروها روی این جاده به وجود آورده اند. برادر کاظمی از برادر زاهدی خواستار حل این مشکل شد.

نیروهای لشکر نجف برای پیشروی به طرف خط سوم، با انبوهی از انواع آتش دشمن از اطراف مواجه بودند. در محدوده شمال جاده شلمچه بین نهر دوعیجی و نهر جاسم، نیروهای دشمن پس از گریختن از مواضع هلالی، در مواضع پراکنده و بین نخل ها مستقر شده بودند. حدود یک کیلومتر بعد از تقاطع خط دوم و جاده شلمچه، در سمت راست این جاده، قرارگاه لشکر ۱۱ ارتش عراق بود که نیروهای دشمن با استفاده از امکانات و استحکامات این قرارگاه و با استقرار تانک روی جاده، پیشروی نیروهای خودی را دچار مشکل کرده بودند. علاوه بر آن، محدوده جنوب جاده شلمچه بین خط دوم و سوم مخصوصاً مواضع هلالی پاک سازی نشده کنار نهر دوعیجی پر بود از قوای دشمن که برای حفظ باقی مانده خط دوم و

جلوگیری از دستیابی رزمندگان اسلام به خط سوم، سخت مقاومت می کردند.

فرمانده لشکر نجف چند بار به فرمانده گردان چهارده معصوم تأکید کرد که زمان را از دست ندهد و سریع تر به طرف خط سوم پیشروی کند. برادر اعتصامی فرمانده گردان چهارده معصوم وضعیت آتش دشمن را برای وی توضیح داد. برادر کاظمی او را راهنمایی کرد که نیروها را از پایین سمت راست جاده عبور دهد تا از آتش سمت چپ دشمن مصون بمانند، سپس از فرمانده دومین گردان لشکر نجف (گردان امام حسین) خواست که با حرکت دادن یک گروهان از نیروهای خود به دنبال نیروهای گردان چهارده معصوم، آنها را کمک کند. وی همچنین به یکی از مسئولان گردان تانک لشکر و نیز به فرمانده گردان نفربر دستور داد که هرچه تانک و نفربر آماده دارند، به دنبال نیروها حرکت بدهند و با هدف گرفتن دشمن، نیروهای پیاده را پشتیبانی کنند.

با آنکه حدود ۴۵ دقیقه (ساعت ۲:۴۰ بامداد) از زمان دستور شروع پیشروی به طرف خط سوم می گذشت. ولی به علت شدت آتش دشمن و همچنین خستگی نیروهای گردان چهارده معصوم که از اوایل شب، مرحله اول عملیات را آغاز کرده بودند هنوز هیچ پیشروی انجام نگرفته و نیروها نتوانسته بودند از پل (تقاطع نهر دوعیجی و جاده شلمچه) عبور کنند. فرمانده لشکر نجف باز هم گردان چهارده معصوم را برای پیشروی تحت فشار گذاشت و تدبیر به کارگیری نفربر زرهی در جلوی نیروهای پیاده را توصیه کرد.

تا ساعت ۳ بامداد تدبیر فوق هم مسئله ای را حل نکرد. به دنبال مایوس شدن از پیشروی نیروهای گردان چهارده معصوم، فرمانده لشکر نجف از فرمانده لشکر امام حسین خواست تا با استفاده از نیروهای تازه نفس و تانک های خود، پیشروی را شروع کند و پیشنهاد کرد گردان چهارده معصوم هم تحت نظر برادر رجبی (فرمانده گردان زرهی لشکر امام حسین) که مسئولیت هدایت نیروها را در خط به عهده داشت قرار گرفته و در پاک سازی به نیروهای لشکر امام حسین یاری دهد. فرمانده

لشکر امام حسین با بیان اینکه آنها مأموریت دیگری دارند، اکراه خود را از این پیشنهاد نشان داد، ولی سرانجام پذیرفت که نیروهایش جلو بروند و از تقاطع نهر دوعیجی و جاده شلمچه وارد عمل شوند، لذا در ساعت ۳:۰۲ به فرمانده گردان مالک اشتر دستور پیشروی داد و از فرمانده گردان زرهی خواست که با تانک این گردان را پشتیبانی کند. حدود ساعت ۳:۲۰ فرمانده گردان مالک اشتر (لشکر ۱۴) حرکت نیروهای خود را اعلام کرد.

درگیری مرحله دوم عملیات امشب با هدف قرار گرفتن چند تانک دشمن به همت نیروهای آر.پی.جی زن شروع شد. در این حال توپخانه با تشدید آتش خود روی خط سوم و محل تقاطع جاده شلمچه و نهر جاسم و دیگر مواضع حساس دشمن، آنها را پشتیبانی می کردند. از سوی دیگر، دشمن با افزایش حجم آتش دو ربرد خود، از حدود ساعت ۳:۱۰ سراسر جبهه و عقبه خودی را به شدت زیر آتش گرفته بود، به طوری که گفته می شد دشمن علاوه بر توپخانه، حدود ده قبضه کاتیوشا را به کار گرفته که هم زمان روی مواضع خودی اجرای آتش کند. به دنبال پیشروی اولین گردان لشکر امام حسین (گردان مالک اشتر)، حدود ساعت ۵ بامداد به دستور برادر خرازی دومین گردان این لشکر (گردان امیرالمؤمنین) مأموریت خود را به سمت تقاطع جاده شلمچه و نهر جاسم با هدف پاک سازی این چهارراه و مواضع هلالی سمت راست آن، شروع کرد. گردان مالک اشتر ضمن پاک سازی سمت چپ جاده و پیشروی به طرف جلو، قبل از رسیدن به چهارراه از جاده عبور کرد و به منظور پاک سازی قرارگاه بزرگ دشمن (سمت راست جاده شلمچه نرسیده به نهر جاسم) که استحکامات و مواضع زیادی داشت و نیرو و امکانات بسیاری از دشمن در آن مجتمع بود عملیات خود را شروع کرد.

فرمانده لشکر امام حسین بعد از وارد عمل کردن دومین گردان خود، از فرمانده قرارگاه قدس تقاضا کرد که نیروهای لشکر نجف برای کمک به نیروهایش وارد عمل شوند. در پی آن به دستور برادر کاظمی، در ساعت ۵:۳۰ دومین گردان لشکر نجف

(گردان امام حسین) با مأموریت پاک سازی قرارگاه بزرگ دشمن، شروع به حرکت کرد. فرمانده لشکر ۸ نجف به فرمانده گردانش گفت:

«حرکت کنید. دست چپ خود را بدهید به جاده آسفالت و مستقیم از پل عبور کرده و با بچه های لشکر امام حسین الحاق کنید و ادامه داده، مأموریت خود را انجام دهید. سریع حرکت کنید. بین نیروهای شما و گردان چهارده معصوم (لشکر ۸) و نیروهای لشکر امام حسین فاصله نیفتد (الحاق حفظ شود). از سرپل نیرو بگذارید و بروید تا برسید به نیروهای لشکر امام حسین»

در ادامه عملیات، تانک های لشکر امام حسین به کمک نیروهای این لشکر فرستاده شدند تا از آنها برای درهم شکستن مقاومت دشمن در داخل قرارگاه و در خط سوم استفاده شود. نزدیک ساعت ۶ بامداد فرمانده لشکر امام حسین ضمن اعلام رسیدن نیروهای این لشکر به حدود چهارراه (تقاطع جاده شلمچه، نهر جاسم)، به فرمانده قرارگاه قدس گفت:

«اگر نیروهای لشکر نجف جلو بروند و وسایل شان (تانک و نفربر زرهی) را هم بفرستند جلو، خیلی از مسائل مان حل می شود؛ یک غوغایی می شود ان شاء الله ما مایه گذاشته ایم، خرج کرده ایم، آنها هم بفرستند.»

فرمانده قرارگاه قدس به وی تأکید کرد:

«آنها (نیروهای لشکر نجف) دارند پشت سر شما (نیروهای لشکر ۱۴) می آیند.»

در ساعت ۶ فرمانده لشکر امام حسین با حضور در سنگر لشکر نجف درخواست فوق را تکرار کرد. فرمانده لشکر نجف گفت: «ما فرستادیم. نیروهای زیادی از دشمن در این محدوده مانده اند؛ یک راهی برای فرارشان باز بگذارید که این قدر نجنگند.»

برادر حسین خرازی:

«عراقی ها راه فرار دارند؛ ما عقبه شان را نبسته ایم، باز است. آنها (عراقی ها) خیلی هستند، جنگ خیلی سختی است.»

به دنبال درخواست برادر خرازی، برادر کاظمی ضمن تماس با

فرمانده گردان خود (برادر گردانی)، تأکید کرد:

«با سرعت بروید؛ کاری نداشته باشید که از دست راست و چپتان تیر می آید. با سرعت خودتان را به نیروهای لشکر امام حسین برسانید و پشت جاده، روبه ارونند پدافند کنید. همه اینها در محاصره اند و حرکت های مذبوحانه می کنند.»

هوا به تدریج روشن می شد. تلاش فرماندهان بر این بود که قبل از روشنایی کامل و قبل از اینکه نیروهای پراکنده دشمن موقعیت خود را دریابند و به طور سازمان یافته و با نیروهای تازه نفس پاتک را شروع کنند، مأموریت خود را انجام بدهند و در مواضع قابل پدافند مستقر شوند. از درخواست گردان امیرالمومنین برای اجرای آتش توپخانه روی چهارراه (تقاطع جاده شلمچه و خط سوم)، مشخص شد که رزمندگان هنوز با این چهارراه فاصله دارند.

جانشین فرمانده لشکر ۱۴ که در نزدیکی خط مقدم حضور داشت، خبر از نزدیکی نیروها به چهارراه داد و گفت که نیروهای پیاده به همراهی تانک ها برای پیشروی تلاش می کنند. برادر خرازی از وی خواست که بچه ها را برای ادامه جنگ در روز آماده کند. فرمانده لشکر ۱۴ در تماس با فرمانده قرارگاه قدس نیاز به تانک بیشتری را یادآوری کرد. از طرف دیگر، فرمانده لشکر نجف به فرمانده تانک ها تأکید بیشتری کرد که نیروهای پیاده را همراهی کنند و برای ساقط کردن قرارگاه دشمن بکوشند.

همزمان با روشنایی تدریجی هوا، آتش دشمن هم شدت گرفت و نیروهای دشمن با استفاده از مواضع خود، مقاومت بیشتری می کردند و مقابله آنها تشدید شد، طوری که با وجود تلاش بسیار و از خودگذشتگی رزمندگان، گردان امیرالمومنین از پیشروی به طرف خط سوم دشمن باز ماند و گردان مالک اشتر موفق به ساقط کردن قرارگاه بزرگ دشمن نشد. تأکیدهای مکرر فرمانده لشکر امام حسین به نیروهایش برای پیشروی و رسیدن به اهداف تعیین شده نیز نتوانست بیش از این مؤثر باشد. همچنین درخواست های پی در پی وی از فرمانده قرارگاه قدس و فرماندهان لشکر نجف و تیپ قمر بنی هاشم برای

کمک به نیروهای این لشکر، به جز یک گردان نیرو و چند تانک از لشکر نجف که برای کمک به سقوط قرارگاه دشمن حرکت کردند نتیجه ای دیگر نبخشید؛ چون نیرو و امکانات دیگری در دسترس نبود.

۵) وضعیت خودی در آغاز روز سوم

آخرین وضعیت نیروهای خودی در حدود ساعت ۶:۳۰ صبح ۱۳۶۵/۱۰/۲۱ در محور جنوبی (قرارگاه قدس و قرارگاه نجف) چنین است:

۱- نیروهای تیپ قمر بنی هاشم در پنج موضع هلالی اول خط دوم (نهر دوعیجی) مستقر هستند که از گوشه کانال ماهی نیروهای دشمن آنها را در فشار قرار می دهند.

۲- یک گردان از نیروهای لشکر امام حسین تا تقاطع جاده شلمچه و خط سوم دشمن پیشروی کرده اند که با آتش شدید دشمن روبه رو شده و هنوز مواضع دشمن را در خط سوم تصرف نکرده اند. گردان دیگر این لشکر بعد از پاک سازی سمت چپ جاده شلمچه، به طرف قرارگاه بزرگ دشمن (نرسیده به خط سوم) رفتند که به مواضع بسیار و مقاومت نیروهای دشمن در این قرارگاه برخوردند و از پیشروی در قرارگاه بازمانده، تقاضای آتش توپخانه کردند. دو گردان فوق را چند تانک پشتیبانی می کند.

۳- یک گردان از نیروهای لشکر نجف به همراهی چند تانک این لشکر برای کمک به نیروهای لشکر امام حسین برای ساقط کردن قرارگاه دشمن حرکت و تلاش بسیاری کردند، ولی موفقیت چندانی به دست نیاورده اند.

۴- نیروهای لشکر علی بن ابی طالب (قرارگاه نجف) از سمت چپ نهر دوعیجی به طرف ارونند پیشروی کرده اند ولی از طرف مواضع هلالی دشمن در سمت راست دوعیجی (هلالی ۶ و ۷) تهدید می شوند.

۵- نیروهای لشکر نصر (قرارگاه نجف) هم در کنار دژ دشمن (اولین خط دشمن) به طرف ارونند پیشروی کرده اند.

به این ترتیب دومین شب عملیات قرارگاه قدس (شب سوم عملیات کربلای ۵) در اینجا به پایان می رسد در حالی که با

در همین زمان برادر محسن رضایی در تماسی به فرمانده قرارگاه قدس گفت:
«ان شاء الله دست احمد را بگیرد و با سرعت بیشتر و آمادگی بیشتر (جلو برود) و کارهای مهندسی (را انجام دهید) همه را بسیج کنید. خدا ان شاء الله به شما قوت بدهد.»

وجود موفقیت نسبتاً سریع مرحله اول عملیات این شب (پاک سازی پنج موضع هلالی خط دوم دشمن به دست نیروهای تیپ قمرینی هاشم و دست یابی لشکر نجف به جاده شلمچه)، تلاش نیروهای لشکر امام حسین و لشکر نجف در مرحله دوم عملیات این شب برای پاک سازی قسمت شمالی خط سوم دشمن به نتیجه نرسید.

۶) فعالیت های مهندسی در شب دوم عملیات قرارگاه قدس
 در این شب در کنار جاده شلمچه از خط اول دشمن تا خط دوم (کنار نهر دوغیجی) خاکریز مستحکمی زده شد. قسمت اول این خاکریز را یگان مهندسی لشکر علی بن ابی طالب با کمک جهاد و بخش دوم آن را یگان مهندسی لشکر نجف با کمک جهاد خراسان احداث کرد علاوه بر خاکریز نسبتاً بلند و مستحکم فوق، در کنار آن سنگرهای تانک، مواضع مختلف و سکو برای انواع جنگ افزار تعبیه گردید. فرمانده لشکر نجف در توصیف فعالیت مهندسی این لشکر گفت:

«مهندسی شب گذشته بی سابقه ترین فعالیت ها را در جنگ داشته؛ خیلی خوب فعالیت کرده است.»

شب سوم عملیات قرارگاه قدس

تلاشی برای دست یابی به خط سوم دشمن

طرح ریزی عملیات شب سوم قرارگاه قدس

بررسی و طرح ریزی ادامه عملیات در ساعت ۱۵ با حضور فرمانده قرارگاه قدس و فرماندهان لشکر نجف، لشکر امام حسین و تیپ قمرینی هاشم شروع شد و در ساعت ۱۶:۱۰ برادر

رحیم صفوی در جمع این فرماندهان حضور یافت. فرمانده لشکر نجف درباره وضعیت پیچیده عملیات در این منطقه گفت:

«این جنگ با موانع است، جنگ با دشمن نیست. اینجا وضعیت زمین پیچیده است. در تاریکی شب باید با دشمن قاطی شد و روز سازمان دهی کرد و آرایش داد.»

سرانجام در ساعت ۱۶:۴۵ طرح مانور عملیات شب تصویب شد:

۱- لشکر نجف و تیپ قمرینی هاشم: با کمک یکدیگر حرکت از خط دوم به طرف بالای خط سوم و پاک سازی زمین محدود بین پایین کانال ماهی تا جاده شنی و پاک سازی مواضع هلالی شکل خط سوم از بالا به طرف پایین تا تقاطع جاده آسفالت شلمچه.

۲- لشکر امام حسین: تصرف و پاک سازی جاده آسفالت شلمچه ما بین خط دوم و سوم و الحاق با لشکر نجف روی خط سوم و همچنین پاک سازی قرارگاه بزرگ دشمن نرسیده به خط سوم.

۳- لشکر ولی عصر: احتیاط قرارگاه قدس و آمادگی برای ادامه پاک سازی زمین بین خط دوم و سوم در شمال جاده شلمچه. شروع عملیات ساعت ۱۹ تعیین گردید و قرار شد همان واحدهای مهندسی جهاد سازندگی شب گذشته با واحدهای مهندسی یگان ها همکاری کنند.

۷) شرح عملیات شب سوم قرارگاه قدس

بعد از بازگشت فرماندهان لشکر نجف و تیپ قمرینی هاشم به مقر خود، برادر زاهدی به نیروهایش دستور حرکت داد و برادر کاظمی نیز از نیروهای خود خواست به دنبال نیروهای تیپ قمرینی هاشم جلو رفته، به محض درگیری این تیپ با دشمن، آنها نیز درگیری را شروع کنند. همچنین برادر خرازی ضمن تماس با جانشین خود که در خط دوم حضور داشت، تأکید کرد که مأموریت همان مأموریت قبلی است و باید هماهنگ با لشکر نجف و تیپ قمرینی هاشم کارمان را شروع کنیم. در ساعت ۲۲:۱۵ نیز دستور تشدید آتش خودی روی

قوای دشمن، داده شد. آتش دشمن روی نیروهای خودی نیز افزایش یافت.

در ساعت ۲۲:۳۰ برادر محسن رضایی در تماسی با فرمانده لشکر نجف او را به فداکاری بیشتری تشویق کرد:

«...خدا قوت بدهد برادر احمد! ما می دانیم که شما زحمت زیادی کشیده اید ولی اسلام به فداکاری بیشتر شما نیاز دارد.»

در ساعت ۲۲:۴۵ نیروهای تیپ قمرینی هاشم قبل از رسیدن به خط سوم دشمن، با مقرهای بین راه درگیر شدند. نیروهای لشکر نجف برای شروع درگیری منتظر وارد شدن نیروهای تیپ قمرینی هاشم در اولین موضع هلالی بودند و لشکر امام حسین نیز منتظر درگیری نیروهای لشکر نجف. فرمانده تیپ قمرینی هاشم به نیروهایش تأکید کرد که به سرعت پیشروی کنند و به فرمانده لشکر نجف گفت:

«اگر نیروهای شما بخواهند منتظر حل شدن موضع هلالی سر جاده شوند، صبح می شود.»

ساعت ۲۳:۱۵ گزارش های رسیده از خط درگیری حاکی بود که نیروهای تیپ قمرینی هاشم سخت مشغول درگیری با نیروهای دشمن در خط سوم و در مقرهای قبل از خط سوم هستند و نیروهای لشکر نجف هم قبل از رسیدن به خط سوم با نیروهای دشمن درگیر شده اند.

ساعت ۲۳:۳۰ نیروهای لشکر نجف که به دنبال نیروهای تیپ قمرینی هاشم حرکت می کردند قبل از رسیدن به خط سوم، با نیروهای دشمن و مقرهای او در دو طرف جاده شنی درگیر شدند و به علت شدت آتش و نبودن جان پناه، پراکنده شدند. ارتباط فرمانده لشکر با فرمانده گردان در حال درگیری قطع شد و تلاش برای تماس بی نتیجه ماند، اما از طریق شبکه داخلی گردان با فرمانده یکی از گروهان ها تماس برقرار شد. پس از چند دقیقه خبر داده شد که این فرمانده گروهان به شهادت رسیده است.

خبرها حاکی از کثرت نیروهای دشمن و شدت آتش آنها بود. نیروهای تیپ قمرینی هاشم از این موضوع شکایت داشتند و در همین لحظات بود که فرمانده گردان این تیپ زخمی شد.

فرمانده لشکر نجف در ساعت ۲۵: صبح در خط مقدم حضور یافت و خاکریز احداثی شب گذشته و وضعیت دشمن در محور نهر هسجان و منطقه حدفاصل نهر دو عیجی و نهر جاسم را بررسی کرد. برخلاف تصور، دشمن در اطراف نهر هسجان و خاکریز احداث شده تحرکی نداشت و به احتمال قوی از احداث این خاکریز خبر نداشت، لذا بهترین فرصت بود که با استفاده از بی اطلاعی دشمن و وضعیت زمین که پوشیده از نخلستان بود و دید دشمن را محدود می کرد، با احداث ادامه خاکریز و وارد کردن نیرو، دشمن را غافلگیر نمود.

بالاخره با تلاش بسیار، در حدود ساعت ۲۳:۴۰ با فرمانده گردان لشکر نجف تماس برقرار شد. برادر گردانی (فرمانده گردان امام حسین از لشکر نجف) از آتش پر حجم دشمن و از پراکندگی و آسیب وارده بر نیروهایش به شدت نگران و ناراحت بود.

فرمانده لشکر نجف از وی خواست هر طور شده نیروهای پراکنده اش را جمع و جور کرده، با کمک نیروهای تیپ قمرینی هاشم قسمتی از خط سوم دشمن را پاک سازی نمایند. برادر کاظمی تلاش کرد تا فرمانده گردانش را متقاعد و تشویق به این کار نماید. از طرف دیگر، با توجه به شدت آتش دشمن و حضور نیروهایش در مقرهای پراکنده و از هم گسیختگی سازمان نیروهای خودی در برخورد نامنظمه با نیروها و آتش دشمن، فرمانده گردان لشکر نجف وضعی را مشاهده می کرد که امکان پاک سازی و پیشروی در این شرایط برای غیر متصور شده بود، لذا وقتی برادر احمد به او گفت:

«بچه‌ها را جمع و جور کن؛ تیپ قمر بنی‌هاشم هم می‌آید کمک، لشکر امام حسین هم از پایین به طرف بالا می‌آید. خودتان را به همدیگر برسانید. مصمم بشوید همه کارها حل می‌شود. دشمن که سریع دست‌هایش را بالا نمی‌کند بگوید سنگر من مال شما! شما ان شاء الله مبنا را محکم کنید تا همه چیزتان حل شود.»

برادر گردانی که نمی‌توانست در بی‌سیم با صراحت بیشتری حرفش را بزند، گفت:

«من برایم مفهوم است. من یک چیز می‌گویم، شما چیز دیگری می‌گویید. آخر من چه بگویم؟!»

در محور سمت چپ (جاده شلمچه)، بعد از دستور فرمانده لشکر امام حسین، نیروهای این لشکر به سمت خط سوم و قرارگاه نزدیک این خط حرکت کردند و اجرای آتش شدید توپخانه خودی در این محور شروع شده بود. تا ساعت ۲۴ خبری از شروع درگیری نیروهای این لشکر با قوای دشمن نبود، ضمن اینکه نیروهای خودی از آتش پرحجم دشمن خبر می‌دادند.

۸) تأکید قرارگاه بر ادامه عملیات و مشکلات پیشروی

با توجه به مشکلاتی که برای تیپ ۴۴ قمر بنی‌هاشم و لشکر ۸ نجف پیش آمده و موجب کندی کار پاک‌سازی و پیشروی آنها شده است و در حرکت نیروهای لشکر امام حسین نیز تردید ایجاد کرده است، قائم مقام فرمانده نیروی زمینی سپاه از سنگر قرارگاه قدس عازم مقر فرماندهان سه یگان فوق که در نزدیکی هم (کنار دژ پنج ضلعی) قرارداشت شد تا در صورت امکان، مشکلات را رافع کند و تحرک بیشتری به وجود آورد. وی در ساعت ۲۳:۴۷ نزد فرماندهان لشکر نجف و تیپ قمر بنی‌هاشم حضور یافت. در اینجا برادر احمد کاظمی وضعیت و مشکلات موجود را بیان کرد:

«باید با تدبیر به دشمن حمله می‌کردیم. چهار گردان نیرو لازم داشت. عراقی‌ها خیلی بودند؛ پایین جاده تجمع کرده بودند. دشمن اینجا (اطراف جاده شنی نرسیده به خط سوم) مقر و ساختمان خیلی بدی دارد که توی همه این ساختمان‌ها تیربار

دارد. با تیربارهای دولول و چهارلول نظام و سازمان بچه‌ها را از طرف راست پاشیده است، بعد که درگیر شده‌اند، از طرف چپ هم زیر آتش قرار گرفته‌اند.»

به منظور رفع مشکل کمبود نیرو و حداقل نیل به قسمتی از اهداف عملیات این شب، فرمانده لشکر نجف پیشنهاد کرد که نیروهای آماده عملیات لشکر امام حسین هم به کمک نیروهای تیپ قمر بنی‌هاشم و لشکر نجف آمده، باز هم نیروهای دشمن را در محور راست (جاده شنی بالاتر از جاده شلمچه) پاک‌سازی کنند و دو موضع هلالی خط سوم دشمن در سمت راست جاده شنی را گرفته، خاکریز بزنند. برادر رحیم صفوی با توجه به پیشروی نیروهای لشکر امام حسین به طرف هدف خود و فاصله آنها از این محور، این پیشنهاد را نپذیرفت و پیشنهاد کرد که حداقل یکی دو تانک سراغ مقر دشمن فرستاده شود. برادر کاظمی گفت:

«تانک نمی‌تواند از روی این جاده برود.»

و به دنبال آن، دستور داد که دو دستگاه از نفربرهای لشکرش روی جاده شنی حرکت کنند و به کمک نیروها بروند و نیرو و امکانات و مخصوصاً تیربارهای دشمن را هدف قرار دهند.

۹) تصمیم به توقف عملیات

تا ساعت ۲:۳۰ با مدام گزارش‌های متعددی از شدت آتش و مقاومت دشمن با استفاده از تجهیزات و استحکامات مناسب در درگیری با لشکر نجف، تیپ قمر بنی‌هاشم و لشکر امام حسین و همچنین وضعیت نامناسب گردان‌های درگیر این سه یگان دریافت می‌شد.

به دنبال آگاهی از وضعیت نیروهای درگیر طی بحث و مشورتی که با حضور جانشین فرمانده نیروی زمینی سپاه، فرمانده قرارگاه قدس و فرماندهان لشکر ۸، لشکر ۱۴، و تیپ ۴۴ صورت گرفت، به یگان‌های درگیر دستور توقف عملیات و بازگشت به خط قبلی داده شد و به این ترتیب با موفق نشدن عملیات در محور چپ، سومین شب عملیات قرارگاه قدس بدون دست‌یابی به اهداف تعیین شده در این شب (پاک‌سازی خط سوم دشمن) کنار نهر جاسم به پایان رسید، در حالی که نیروی

زیادی از دشمن در این شب در محور عملیاتی قرارگاه قدس منهدم گردید. در پی دستور عقب نشینی، آتش دشمن که در انواع مختلف و از حجم بسیاری برخوردار بود شدت بیشتری گرفت.

گفتنی است که دشمن در این شب برای پاتک کردن و بازپس گیری منطقه آزاد شده در جبهه جنوبی و محاصره نیروهای یگان های قرارگاه قدس و قرارگاه نجف در این جبهه، نیرو و امکانات بسیاری وارد کرده و در خط سوم مستقر کرده بود که عملیات شب سوم قرارگاه قدس موجب انهدام بخش وسیعی از نیروهای دشمن و به هم ریختگی سازمان آنها گردید و این خود سبب جلوگیری از پاتک های شدید دشمن به جبهه جنوبی شد.

شب چهارم عملیات قرارگاه قدس: عملیات مهندسی، گشایش راه پیشروی

۱) وضعیت خطوط در چهارمین روز عملیات (۱۳۶۵/۱۰/۲۲)
نیروهای دشمن از اوایل صبح تلاش می کردند که با اجرای انواع آتش روی نیروهای خودی مستقر در مواضع هلالی خط دوم (کنار نهر دو عیجی)، از خط سوم (کنار نهر جاسم) به طرف خط خودی (نهر دو عیجی) جلو بیایند که با توجه به مقابله نیروهای خودی و ایستادگی آنها، موفقیتی به دست نیاوردند. از سوی دیگر، با دستور فرمانده لشکر ۸ نجف واحدهای ادوات و ضدزره این لشکر در مواضع هلالی اول و دوم و چند تانک در هلالی سوم مستقر شدند تا از فشار و پاتک دشمن به خط خودی جلوگیری کنند. همچنین نیروهای لشکر ولی عصر در هلالی سوم و چهارم جایگزین نیروهای تیپ قمر بنی هاشم شدند.

دشمن بعد از ظهر این روز با به کارگیری چند دستگاه تانک کوشید تا به خط دوم (رویه روی هلالی سوم و چهارم) نزدیک شود که با مقابله نیروهای خودی و به کارگیری سلاح های ضدتانک مجبور به عقب نشینی شد.

۲) ضرورت ادامه عملیات

ضرورت ادامه عملیات بر کسی پوشیده نبود و علی رغم کاهش

توان یگان ها و مقابله شدید دشمن با پیشروی نیروهای خودی، فرماندهان بر دست یابی به اهداف عملیات تأکید می کردند و خط و موقعیت فعلی را مناسب نمی دانستند. از طرف دیگر، اجرای عملیات به طور متوالی در چند شبانه روز گذشته، توان یگان ها و مخصوصاً فرماندهان را کاهش داده بود و نیاز به تجدید قوا را خاطر نشان می کرد، لذا نظر فرمانده قرارگاه قدس تلاش برای بازسازی و آمادگی یگان ها برای شب های آینده بود، ضمن اینکه در این شب با اقدام به عملیات مهندسی، زمینه موفقیت عملیات در شب های آینده فراهم شود. فرمانده قرارگاه قدس در حضور فرماندهان یگان های این قرارگاه، برنامه ادامه عملیات از نظر فرماندهی قرارگاه خاتم الانبیاء را بیان کرد:

«چیزی که از بالا گفته شده این است: تثبیت خط فعلی و آماده شدن سریع، مثلاً کمتر از ۷۲ ساعت برای عملیات. این برنامه کاری است. آماده سازی خیلی جدی است، ادامه عملیات هم خیلی جدی است، هر دو باید هم زمان باشد؛ یعنی در عین اینکه ما برای عملیات آماده می شویم، نباید از خطوط فعلی غافل شویم. کاری کنیم که تسلط کامل داشته باشیم.»

برادر عزیز جعفری افزود:

«ان شاء الله برای فردا شب نیروی سازماندهی شده و آماده باید پای کار داشته باشید که عملیات را ادامه دهیم. عملیات ناقصی زیادی دارد که وضعیت خطرناکی است، باید نواقص را رفع کرد.»

فرمانده لشکر نجف نیز در مورد اهمیت و ضرورت ادامه عملیات گفت:

«سختی های ما تا اینجا است (تا تصرف خط سوم دشمن). اگر سه کیلومتر جلوتر برویم و به این زمین دست پیدا کنیم، راحت می شویم و مشکلات از بین می رود. آنجا می افتیم پشت سر عراقی ها، اینجا الان انبوه نیروهای عراقی است. اگر از اینها نجات پیدا کنیم، اگر برویم برسیم به رودخانه و دست چپمان را به رودخانه بدهیم و جلو برویم، دست چپمان امن می شود و هر چه جلو برویم، عراقی ها هیچ کاری نمی توانند بکنند.»

۳) طرح مانور شب چهارم عملیات قرارگاه قدس

هرچند تأکید بر بازسازی و آمادگی جهت عملیات در شب های آینده بود، ولی انجام دادن عملیات و تحرکاتی هرچند ناچیز در چهارمین شب عملیات قرارگاه قدس ضروری بود، تا از فرصت دادن به دشمن و تمرکز قوای او برای مقابله با مانور این شب قرارگاه نجف جلوگیری شود.

فرمانده قرارگاه قدس بر این موضوع تأکید داشت:

«امشب باید عملیات کنیم، چون اگر نکنیم شاید تا فردا دشمن ما را از اینجاها (مواضع کنونی) پس بزند. ان شاء الله همه برادران فردا شب برای عملیات آماده باشند.

امشب هم نیروهای سازماندهی شده ای که دارند، در منطقه نزدیک مستقر کنند.»

از سوی دیگر، نظر تعدادی از فرماندهان یگان ها این بود که عملیات در غرب خط دوم (نهر دو عیجی) با پاک سازی بقیه مواضع هلالی دشمن به طرف اروند ادامه یابد. فرمانده لشکر نجف ضمن تأکید بر این عملیات، برای انجام دادن عملیات مهندسی در این محور اعلام آمادگی کرد.

پس از این نظرخواهی و اعلام آمادگی و اندکی بحث در زمینه عملیات این شب، طرح مانور لشکر نجف به صورت زیر مشخص گردید:

مهندسی لشکر نجف با پشتیبانی زرهی این لشکر از جاده شلمچه به طرف اروند شروع به احداث خاکریز در کنار نهر هسجان کرده، در صورت امکان در غرب نهر و در صورت عدم امکان عبور از نهر و یا وجود آتش شدید دشمن، بایست در شرق نهر خاکریز احداث کند. زمان شروع کار، بعد از آغاز عملیات قرارگاه نجف یعنی ساعت ۲۰:۳۰ مقرر گردید.

۴) آماده سازی زمینه عملیات

بعد از مشخص شدن طرح مانور این شب قرارگاه قدس، فعالیت برای آماده سازی زمینه عملیات شروع گردید. از مهم ترین امکانات مورد نیاز عملیات، دستگاه های مهندسی بود که لشکر نجف از این نظر در مضیقه قرارداشت. غالب دستگاه های مهندسی این لشکر در شب های گذشته از کار

افتاده بود. قسمتی از جهاد خراسان که تحت امر این لشکر قرار گرفته بود، برای این شب پنج دستگاه مهندسی در اختیار داشت، به منظور رفع این کمبود، فرمانده قرارگاه قدس از قرارگاه نجف درخواست چند دستگاه مهندسی کرد، ولی قرارگاه نجف هم با توجه به مانور این شب خود و لزوم استفاده از دستگاه های مهندسی در این مانور، این درخواست را نپذیرفت که به دنبال اصرار برادر جعفری، پذیرفته شد که جهاد اراک (مأمور به قرارگاه نجف) برای کمک به مانور این شب لشکر نجف در اختیار این لشکر قرار گیرد.

از طرف دیگر، فرمانده لشکر نجف به واحدهای لشکرش ابلاغ کرد که خود را برای پشتیبانی از عملیات مهندسی این شب آماده کنند. از جمله امکانات بسیار مؤثر در این مانور، تانک و نفربر بود، لذا فرمانده لشکر نجف خطاب به جانشین فرمانده گردان تانک این لشکر گفت:

«الان بروید هرچه می توانید تانک آماده کنید؛ حتی اگر شده به زور از یگان های زرهی تانک بگیرید و برای امشب آماده کنید. امشب می خواهیم برویم با تانک و نفربر بیندازیم دنبال عراقی ها و کنار نهر هسجان یک خاکریز بنیم.»

علاوه بر این، برادر کاظمی ضمن توجیه فرمانده یکی از گردان های پیاده خود به مانور این شب، به وی دستور داد که دو گروهان از نیروهایش را به طرف خط حرکت بدهد و آماده باشد که اگر نیروهای دشمن در این محور حضور داشتند، با آنها مقابله نماید.

برادر کاظمی همچنین مهندسی قرارگاه نجف را که برای عملیات این شب چهار دستگاه آماده کرده بود و جهاد خراسان

ساعت ۱۴:۴۵ در پی مناسب شدن

وضعیت جبهه خودی و فرار نیروهای دشمن،

به نیروهای پیاده و زرهی دستور پیشروی و

به مهندسی دستور ادامه احداث

خاکریز داده شد.

از حوالی ظهر وضعیت به تدریج عوض شد، کم کم نیروهای دشمن خود را پیدا کردند و به طرف نیروهای خودی آرایش گرفتند، تانک های دشمن فعال شد و آتش ادوات دقیق تر می زد. با افزایش آتش دشمن و تحرک نیروهای او، فرمانده لشکر نجف احساس خطر کرد و فرماندهان دشمن که شلیک منور به هم علامت می دادند، بر این نگرانی می افزود.

را (که آن هم چهار دستگاه آماده داشت) چنین توجیه کرد: «از کنار جاده شلمچه (بعد از نهر دوعیجی و در ادامه خاکریز کوتاهی که در شب های قبل احداث شده) شروع به زدن خاکریز کرده و ادامه داده تا به جاده ای که عمود بر جاده شلمچه است برسید (اگر قبل از رسیدن به این جاده عمودی، به نهر هسجان رسیدید، اگر از نهر امکان عبور بود و یا باریختن خاک در نهر امکان عبور پیدا شد، عبور کرده و پیش بروید تا به جاده برسید)، سپس به سمت چپ پیچیده و در کنار این جاده (جاده عمود بر جاده شلمچه) خاکریز بنید و به طرف پایین ادامه دهید و تا جایی که امکان دارد پیش بروید. هر کجا که آتش دشمن شدت گرفت و امکان ادامه خاکریز به طور مستقیم نبود، به طرف نهر دوعیجی پیچید و خاکریز را ادامه دهید.»

۵) شرح عملیات شب چهارم قرارگاه قدس

با توجه به حساسیت و اهمیت مانور این شب قرارگاه نجف، چندبار از فرمانده قرارگاه قدس خواسته شد تا قرارگاه نجف را در اجرای مأموریتش یاری دهد و در زمان اجرای عملیات ضمن حضور در قرارگاه نجف، فرماندهی این قرارگاه را در هدایت عملیات کمک نماید. از نظر فرمانده قرارگاه قدس، مانور لشکر نجف نقش مؤثری در موفقیت مانور قرارگاه نجف داشت. علاوه بر آن، به تیپ زرهی ۲۱ رمضان (تحت امر قرارگاه

قدس) مأموریت داده شد که لشکر ۲۱ امام رضا (از یگان های قرارگاه نجف) را در انجام دادن مأموریتش کمک دهد. در ساعت ۲۱:۲۰ واحد شنود گزارش داد که فرماندهی دشمن، یگان هایش را یکی یکی چک کرده و به آنها آماده باش می دهد. در ساعت ۲۱:۲۵ فرمانده قرارگاه نجف به یگان هایش دستور شروع عملیات را داد و به دنبال آن فرمانده قرارگاه قدس ضمن تماس با فرمانده لشکر نجف از وی خواست کارش را شروع کند. در پی این تماس، فرمانده لشکر نجف به مهندسی لشکرش دستور حرکت و شروع کار را داد و از مسئولان تانک ها و نفربرها خواست هماهنگ با دستگاه های مهندسی، به دنبال آنها حرکت کنند.

در ساعت ۲۲ برادران مهندسی لشکر ۸ نجف با اعلام شروع کار خود، خبر دادند که دشمن در این محور هیچ گونه تحرکی ندارد.

برادران مهندسی با کمک دستگاه ها و پشتیبانی تانک و نفربر به احداث خاکریز ادامه دادند در حالی که از نبودن دشمن متعجب بودند. در ساعت ۲۳:۲۰ فرمانده لشکر نجف به فرمانده گردان پیاده دستور داد که یک گروهان از نیروهایش را حرکت داده، از پشت خاکریز فوق به طرف جاده آسفالت (موازی اروند) پیش بروند.

حدود ساعت ۲۴ فرمانده گردان پیاده لشکر نجف ضمن تماسی گزارش داد که خاکریز در سمت راست (غرب) کانال احداث شده و این کانال خشک است به طوری که نیروهای این گردان از داخل کانال پیش می روند. فرمانده لشکر نجف ضمن تأکید بر ادامه پیشروی، از وی خواست چند نفر جلوتر بفرستد که جاده آسفالت را شناسایی کرده، سپس نیروها به طرف آن بروند. البته با برگشت یکی از برادران مهندسی و گزارش کار به فرمانده لشکر نجف، مشخص شد که با توجه به تاریکی هوا و ناآشنایی به منطقه، جهت احداث خاکریز اشتباه شده است، لذا مسئول مهندسی لشکر نجف عازم محل احداث خاکریز شد. نیروهای پیاده لشکر نجف نیز به کندی در حال پیشروی بودند. فرمانده این نیروها خبر از اجرای آتش های پراکنده خودی و

دشمن می داد. این فرمانده چندبار آزار آتش خودی را متذکر شد و درخواست چاره جویی کرد. در پی این درخواست، فرمانده لشکر نجف در تماسی با فرمانده قرارگاه قدس خواستار اقدام عاجل برای جلوگیری از اجرای آتش خودی روی رزمندگان شد. سپس فرمانده قرارگاه قدس از قرارگاه نجف خواست که اجرای آتش یگان های این قرارگاه در این محور قطع شود، که این اقدام انجام شد. بعد از این اقدام، اظهارات فرمانده گردان پیاده و مسئول مهندسی لشکر نجف تأیید شد به طوری که بعد از قطع آتش خودی در این محور، آتش های پراکنده کاهش محسوسی یافت.

مهندسی لشکر نجف در ادامه کار برای احداث خاکریز، به تدریج دچار مشکلات شد و با هدف قرار گرفتن چند دستگاه و جراحت چند تن از نیروها، توانش در ادامه کار کاسته شد و درخواست این لشکر برای کمک از قرارگاه و لشکر امام حسین مفید واقع نشد.

در ساعت ۶:۳۰ با روشن شدن تدریجی هوا، امکان پی بردن دشمن به اقدامات مهندسی شب گذشته و حمله شدید به این خاکریز برای جلوگیری از استقرار نیروهای خودی، وجود داشت، لذا فرمانده لشکر نجف به مسئول زرهی این لشکر تأکید کرد که سه چهار دستگاه تانک و نفربر جلو برده، پشت خاکریز احداثی مستقر نماید و با تمام توان با نیروهای دشمن مقابله نمایند.

۶) نتایج عملیات شب چهارم قرارگاه قدس

در آغاز پنجمین روز عملیات، نتایج اقدامات شب گذشته یگان های قرارگاه قدس به شرح زیر بود:

۱- لشکر ۸ نجف با اجرای عملیات مهندسی با پشتوانه آتش زرهی و همراهی نیروهای پیاده، خاکریزی دو شاخه در کنار نهر هسجان احداث نمود، ولی به علت مواجه شدن با کمبود دستگاه مهندسی، موفق نشد این خاکریز را تا جاده آسفالت ساحلی اروند برساند.

۲- لشکر ۳۱ عاشورا انفجار دژ (گوشه کانال ماهی گیری) را انجام داد ولی هنوز نتیجه آن مشخص نیست و ظاهراً به علت

وضعیت زمین، احتمالاً آب جاری نمی شود.

از طرف دیگر، لشکر ۲۱ امام رضا (یگان قرارگاه نجف) شب گذشته موفق به تأمین بقیه مواضع هلالی دشمن در پایین خط دوم نشد.

روز پنجم عملیات قرارگاه قدس

پیشروی در روز ۱۳۶۵/۱۰/۲۵

۱) پاتک سنگین دشمن در محور غربی

با آغاز روشنائی ششمین روز عملیات کربلای ۵، دشمن پاتک سنگین خود را به محور غربی عملیات (محور عملیات قرارگاه کربلا) شروع کرد و با به کارگیری تیپ ۵ لشکر گارد، به مواضع کنار کانال ماهی حمله کرد و تعدادی از این مواضع را باز پس گرفت. به منظور مقابله با این حملات، فرمانده عملیات (محسن رضایی) و فرمانده نیروی زمینی (علی شمخانی) ضمن تماس های مکرر با قرارگاه قدس خواستار تمرکز آتش توپخانه و ادوات این قرارگاه در محور غربی عملیات شدند. در پی درخواست فوق، مسئولان قرارگاه قدس شروع به تمرکز و هدایت آتش در آن محور کردند. تشدید آتش سنگین دشمن، بر اضطراب و نگرانی موجود در قرارگاه قدس افزود.

از طرف دیگر، در جبهه جنوبی عملیات، علی رغم سکوت در محور قرارگاه قدس، نیروهای دشمن از جاده ساحلی اروند در حال حرکت به طرف نیروهای قرارگاه نجف و فشار روی آنها بودند، لذا فرمانده این قرارگاه درخواست کرد که احداث خاکریز شب گذشته لشکر نجف تا جاده ساحلی ادامه پیدا کند تا بدین وسیله راه نیروهای دشمن مسدود گردد.

۲) اصرار بر ادامه عملیات در روز

فرمانده لشکر نجف در ساعت ۲۵: صبح در خط مقدم حضور یافت و خاکریز احداثی شب گذشته و وضعیت دشمن در محور نهر هسجان و منطقه حدفاصل نهر دوعیجی و نهر جاسم را بررسی کرد. برخلاف تصور، دشمن در اطراف نهر هسجان و خاکریز احداث شده تحرکی نداشت و به احتمال قوی از احداث این خاکریز خبر نداشت، لذا بهترین فرصت بود که با استفاده از بی اطلاعی دشمن و وضعیت زمین که پوشیده از

نخلستان بود و دید دشمن را محدود می کرد، با احداث ادامه خاکریز و وارد کردن نیرو، دشمن را غافلگیر نمود. فرمانده لشکر نجف برادرانی را که با دستگاه های مهندسی مشغول کار بودند، راهنمایی می کرد که جلوتر بروند و در نخلستان کنار نهر هسجان خاکریز احداث کنند.

از طرف دیگر، در صحنه کارزار، فرمانده لشکر ۸ نجف ضمن تشویق نیروهای پیاده اش به پیشروی سریع تر، به آنها توصیه می کرد که پشت سر خود تأمین بگذارند. علاوه بر این، وی به مسئولان نفربرهای زرهی تأکید می کرد که با سرعت بیشتر و پا به پای نیروهای پیاده جلو بروند. برادر کاظمی همچنین به مسئولان ادوات و ضد زره خود دستور داد تا حداکثر امکان خمپاره، تفنگ ۱۰۶، موشک های تاو و مایوتکا پشت خاکریز مستقر نمایند.

در ساعت ۱۰:۳۰ در حالی که نیروهای پیاده به کندی پیش می رفتند، بلندگوی دشمن از مقری که در حدود دویست متری سمت راست نهر هسجان واقع بود با صدای بلند و به زبان فارسی فریاد می زد: «زودتر خاک عراق را ترک کنید و گرنه همه جا را خاکستر می کنیم.»

در ساعت ۱۱ با استقرار تانک ها و نفربرها پشت خاکریز و اجرای آتش خودی روی مقر دشمن، تردد نیروهای دشمن افزایش یافت. تعدادی از نیروهای پیاده دشمن در نخلستان در تردد بودند و هر چند با توجه به وجود نخل های بسیار، دقیقاً مشخص نبود که هدف آنها از این تحرکات چیست، ولی احتمال داده می شد که نیروهای دشمن مشغول تخلیه امکانات مقر خود هستند.

در همین زمان برادر محسن رضایی در تماسی به فرمانده قرارگاه قدس گفت:

«ان شاء الله دست احمد را بگیرد و با سرعت بیشتر و آمادگی بیشتر (جلو بروید) و کارهای مهندسی (را انجام دهید) همه را بسیج کنید. خدا ان شاء الله به شما قوت بدهد.»

در پی تأکید فرمانده عملیات، فرمانده قرارگاه قدس عازم خط

مقدم شد تا از نزدیک وضعیت را ببیند و یگان های پیاده و امکانات را برای ادامه عملیات هماهنگ نماید. وی حدود ساعت ۱۱:۲۰ نزد فرماندهان لشکرهای نجف، امام حسین، ولی عصر و تیپ قمرینی هاشم که همگی در خط مقدم بودند، آمد. در اینجا توضیحات فرمانده لشکر نجف مشخص نمود محوری که نیروهای لشکر نجف پدافند می کردند محور نهر هسجان و فرماندهان فوق هم در نزدیکی آنها در خط حضور پیدا کرده اند، سه جناحش را دشمن پوشانده و فقط از سمت شمال به عقبه خودی اتصال دارد.

با حضور فرمانده قرارگاه قدس در خط مقدم، بحث در زمینه چگونگی ادامه عملیات شروع شد. همه فرماندهان با ادامه عملیات و پیشروی به طرف اروند موافق بودند. فرمانده قرارگاه قدس و فرمانده لشکر نجف بر ادامه عملیات در روز اصرار داشتند، تا قبل از اینکه دشمن به خود بیاید، از فرصت استفاده کنند. به همین دلیل برادر جعفری به فرماندهان لشکر ۷ ولی عصر و لشکر ۱۴ امام حسین تأکید کرد هر چه زودتر با وارد کردن نیروهای خود به کمک لشکر ۸ نجف شتافته، تا هم با احتمال محاصره نیروهای این لشکر جلوگیری کنند و هم با پیشروی سریع، خود را به اروند برسانند:

«نباید ساکت بنشینیم، به هر صورت شده باید جلو برویم. توی همین باریکه جلو برویم تا بصره. باید از این وضع متزلزل دشمن استفاده کنیم.»

فرمانده لشکر ۸ نجف هم اضافه کرد:

«هر کس می تواند، باید بیاید؛ کار خداست. من پنج تانک و نفربر از اینجا (کنار نهر هسجان) انداخته ام لای عراقی ها جلو رفته ام. کار شوخی نیست! مگر خدا غیر از این کمک می کند؟ حرکت کنید بیندازید دنبال عراقی ها، اگر همت کنید من قول می دهم بیست هزار اسیر بگیریم!»

۳) تشدید درگیری ها

از حوالی ظهر وضعیت به تدریج عوض شد، کم کم نیروهای دشمن خود را پیدا کردند و به طرف نیروهای خودی آرایش گرفتند، تانک های دشمن فعال شد و آتش ادوات دقیق تر

می زد.

با افزایش آتش دشمن و تحرک نیروهای او، فرمانده لشکر نجف احساس خطر کرد و فرماندهان دشمن که شلیک منور به هم علامت می دادند، بر این نگرانی می افزود، لذا وی ضمن درخواست کمک از فرمانده قرارگاه قدس، برای وارد کردن یگان های دیگر گفت:

«عراقی ها دارند منور می زنند و قصد دارند حمله کنند.»

به دنبال این درخواست و با مشاهده یکی از بولدوزرهای لشکر نجف که در نزدیکی فرماندهان خودی هدف گلوله تانک دشمن قرار گرفت، فرمانده قرارگاه قدس به فرمانده تیپ ۲۰ زرهی رمضان تأکید کرد که فعال برخورد کند و تانک های خود را آرایش داده و تانک های دشمن را هدف قرار دهند و با به کارگیری تیربار تانک ها، از تحرک نیروهای دشمن جلوگیری کنند.

در ساعت ۱۲:۳۰ با توجه به تشدید آتش دشمن و تحرک نیروهایش، نیروهای پیاده و تانک ها و نفربرهای خودی کم و بیش تغییر موضع دادند و تعدادی عقب آمدند. این موضوع نگرانی دو نیروی زرهی و پیاده را فراهم آورد و متقابلاً موجب تضعیف روحیه یکدیگر شد. فرمانده نیروهای پیاده، زرهی را متهم به عقب نشینی می کرد و فرمانده نیروهای زرهی مدعی بود ابتدا افراد پیاده عقب نشینی را شروع کرده اند. نداشتن فرماندهی مشترک پیاده و زرهی در رده بالاتر، این ناهماهنگی را تشدید کرده بود. همچنین افزایش تحرک دشمن موجب شد

لشکر نجف در ادامه عملیات،

تحت امر قرارگاه کربلا قرار گرفت و

در سازمان این قرارگاه همراه دیگر یگان ها به

پیشروی و رویارویی با قوای دشمن پرداخت.

در ادامه عملیات و تلاش رزمندگان،

دشمن ناچار به عقب نشینی به

غرب نهر جاسم شد.

که دستگاه های مهندسی از فعالیت باز ایستاده و به عقب برگردند. وانست غذا در حال حرکت برای رساندن نهار به نیروهای درگیر، مورد اصابت آتش دشمن قرار گرفت. با بمباران های دشمن در محور جنوبی، عملیات تشدید شد و همه این مسائل بر احساس خطر فرمانده لشکر نجف می افزود و از امکان اسارت نیروهای پیاده و تضعیف جبهه خودی به دست دشمن، احساس نگرانی بیشتری می کرد، لذا از یک طرف در تماس با فرمانده نیروهای پیاده ضمن دادن روحیه به آنها می گفت مواظب چپ و راست خود باشید و از طرف دیگر، دوباره از فرمانده قرارگاه قدس مؤکداً خواست که به منظور حفظ جبهه، نیروی تازه نفس وارد کند.

در ساعت ۱۳ به منظور مقابله با دشمن، فرمانده لشکر نجف عملاً وارد صحنه شد و به نیروهای پراکنده دستور استقرار پشت خاکریز و تیراندازی داد و برای هر یک از سلاح های ضد زره و ادوات که استقرار مناسبی نداشتند، موضع مشخصی تعیین کرد و به آنها دستور اجرای آتش و مقابله با دشمن را داد. تانک ها و نفربرهای موجود را آرایش داد و تا حدودی از ناهماهنگی ها و پراکندگی ها کاست و از چند نفر برادران آر.پی.جی. زن حاضر خواست در خاکریز دو طرف مستقر شده و شروع به شلیک کنند.

در ساعت ۱۳:۳۰ مسئول محور لشکر نجف که از نزد نیروهای پیاده برگشته بود گزارش داد:

«دشمن از مقر خود آتش زیادی روی نیروهای خودی اجرا می کند و نیروهایش از این مقر خارج شده و به طرف نیروهای پیاده می آیند.»

فرمانده تیپ زرهی رمضان نیز خبر داد:

«نیروهای دشمن جلو آمده و نیروهای پیاده را عقب زده اند، ما هم مجبور به عقب کشیدن تانک هایمان شدیم.»
وی افزود که افراد دشمن تا نزدیکی خاکریز خودی جلو آمده اند.

۴) مناسب شدن وضعیت نیروهای خودی

در ساعت ۱۴ با عقب آمدن اکثر نیروهای پیاده و تانک ها

وضع آشفته تر شده و ناهماهنگی ها افزایش یافت و نگرانی بیشتری در فرماندهان حاضر به وجود آورد. خط، سازمان مشخصی نداشت. نیروهایی که از دور مشاهده می شدند، یکی می گفت عراقی و دیگری می گفت نیروی خودی است. یکی می گفت با تانک اینجا را بزن، دیگری می گفت تانک ها را عقب ببرید. نیروهای پیاده لشکر نجف که به عقب برگشته بودند خیلی خسته به نظر می رسیدند و حال بازگشت و مقابله با دشمن را نداشتند. ادامه چنین وضعی به نیروهای دشمن روحیه تهاجمی می داد و اسارت تعداد زیادی نیرو و از دست دادن دستاوردهای چند شب عملیات را در پی می آورد. فرماندهان با مشاهده چنین وضعیتی، خود دست به کار شدند. فرمانده قرارگاه قدس به خدمه تانک ها دستور آرایش پشت خاکریز را داد و فرمانده لشکر نجف با سازماندهی نیروهای پیاده و ادوات و سلاح های ضد زره و... آنها را پشت خاکریز مستقر کرد، سپس به کلیه نیروها دستور اجرای آتش داده شد که در پی آن، حجم گسترده ای از انواع آتش سبک و سنگین مواضع دشمن را فراگرفت. به دنبال این اقدامات، طولی نکشید که نیروهای دشمن شروع به عقب نشینی و فرار و تخلیه مواضع خود کردند و تکبیر همه برادران بلند شد؛ چهره های درهم و نگران، شادمان گردید و روحیه ها تقویت شد.

ساعت ۱۴:۴۵ در پی مناسب شدن وضعیت جبهه خودی و فرار نیروهای دشمن، به نیروهای پیاده و زرهی دستور پیشروی و به مهندسی دستور ادامه احداث خاکریز داده شد. در این زمان فاصله نیروهای خودی تا جاده ساحلی اروندرود حدود هفتصد متر بود. فرماندهان قرارگاه قدس و لشکر نجف و تیپ قمر بنی هاشم و لشکر ولی عصر از نیروهای پیاده جلو تر رفتند و در نخلستان مشغول بررسی وضعیت و مشاهده نیروهای در حال فرار دشمن شدند. همه اذعان می کردند که تنها مشکل رسیدن به جاده ساحلی و ادامه عملیات، نبودن نیروهای پیاده تازه نفس است که به راحتی می توانستند بدون درگیری، پیشروی کرده، مواضع دشمن را تا جاده ساحلی تصرف نمایند.

حدود ساعت ۹:۳۰ جلسه ای با حضور فرمانده قرارگاه قدس و فرمانده یگان های این قرارگاه در کنار خاکریز نهر هسجان در نخلستان تشکیل گردید. هنوز مدت زیادی از آغاز جلسه نگذشته بود که خمپاره ای در نزدیکی این برادران به زمین خورد. یکی از فرماندهان گفت: از اینجا بلند شوید که خمپاره بعدی وسط جلسه خواهد خورد. برادران در حال بلند شدن بودند که خمپاره بعدی میان آنها آمد و فرمانده قرارگاه قدس و جانشین فرمانده لشکر امام حسین را به سختی مجروح و راوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ در قرارگاه قدس را به شهادت رساند.

نیروهای پیاده لشکر نجف که از شب پیش تا آن ساعت جنگیده بودند، خسته شده و روحیه مناسبی برای ادامه پیشروی نداشتند.

۵) توقف عملیات در روز

از حدود ساعت ۴۰:۰۰ به تدریج نیروهای لشکر ولی عصر و لشکر امام حسین رسیدند و پشت خاکریز مستقر شدند. به منظور ادامه عملیات و پیشروی به طرف اروندر، فرمانده لشکر نجف با تلاش زیاد تعداد اندکی از نیروهای پیاده اش را جمع آوری کرده، به آنها دستور حرکت و پیشروی داد و قرار شد نیروهای لشکر امام حسین هم پشت سر آنها حرکت کنند. این نیروها جلو رفتند و از طریق کانال های موجود شروع به پیشروی کردند، ولی طولی نکشید که با آتش دشمن، فرمانده این گردان شهید و تعدادی از نیروها مجروح شدند و گردان از ادامه پیشروی بازماند، سپس فرمانده لشکر نجف به نیروهای باقی

مانده دستور برگشت به عقب و رفتن برای بازسازی داد.

به این ترتیب ادامه عملیات در روز منتفی شد و نیروهای لشکر امام حسین و لشکر ولی عصر پشت خاکریزها به استراحت پرداختند تا شب هنگام عملیات را ادامه بدهند.

در این زمان، اجرای آتش دوربرد خودی و دشمن در این محور ادامه داشت و علی رغم تذکرات مکرر به قرارگاه نجف، هنوز گلوله های مینی کاتیوشای خودی در نزدیکی برادران به زمین می خورد.

شب پنجم عملیات قرارگاه قدس: ۱۳۶۵/۱۰/۲۳

پیشروی تا جاده ساحلی

با حضور فرمانده قرارگاه قدس و فرماندهان لشکرهای نجف، امام حسین، عاشورا، ولی عصر و فجر، موضوع ادامه عملیات و طراحی مانور شب پنجم عملیات، عصر امروز در حد فاصل نهر دو عیجی و نهر هسجان بررسی شد. در این جلسه برادر عزیز جعفری تأکید کرد که یگان ها با به کارگیری حداکثر توان، فرصت تصمیم گیری و برنامه ریزی را از دشمن سلب کرده و هر چه سریع تر اهداف عملیات را تأمین کنند. در این شب با توجه به اینکه لشکر نجف در پنج شب و روز گذشته تقریباً به طور متوالی درگیر عملیات بوده و قوایش تحلیل رفته است، به این لشکر فرصت استراحت داده شد. عملیات شب پنجم قرارگاه قدس با امید رسیدن به ارون درود، تصرف بخشی از خط سوم دشمن و الحاق با یگان های قرارگاه نجف از ساعت ۱۸ شروع شد. نیروها از همان آغاز عملیات با آتش پر حجم و مقابله شدید قوای دشمن مواجه شدند.

با گذشت چهار ساعت از آغاز عملیات و عدم پیشروی قابل توجه رزمندگان، به ارزیابی غیر دقیق از توان دشمن در هنگام طرح ریزی پی برده شد و به همین سبب اهداف عملیات محدود شد و مأموریت یگان ها تغییر کرد.

در این شب لشکر امام حسین موفق شد با فاصله از جاده ساحلی خاکریزی عصبایی شکل در ادامه خاکریز کنار نهر هسجان احداث کند و باقی مانده نیروهایش را در پشت خاکریز مستقر نماید.

روز ششم عملیات (۱۳۶۵/۱۰/۲۴)

جراحت شدید فرمانده قرارگاه قدس

فرمانده قرارگاه قدس در آغاز روز ششم به منظور بررسی اقدامات انجام شده در شب گذشته و طرح ریزی جهت ادامه عملیات، عازم خط مقدم شد. وی در ساعت ۸:۳۰ صبح به پل تقاطع جاده شلمچه و نهر دو عیجی رسید و به فرمانده لشکر نجف که در این محل بود گفت:

«بلند شو برویم جلو، آنجا امنیتش بیشتر است»

و به طرف جلو حرکت کردند. حدود ساعت ۹:۳۰ جلسه ای با حضور فرمانده قرارگاه قدس و فرمانده یگان های این قرارگاه در کنار خاکریز نهر هسجان در نخلستان تشکیل گردید. هنوز مدت زیادی از آغاز جلسه نگذشته بود که خمپاره ای در نزدیکی این برادران به زمین خورد. یکی از فرماندهان گفت: از اینجا بلند شوید که خمپاره بعدی وسط جلسه خواهد خورد. برادران در حال بلند شدن بودند که خمپاره بعدی میان آنها آمد و فرمانده قرارگاه قدس و جانشین فرمانده لشکر امام حسین را به سختی مجروح و راوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ در قرارگاه قدس را به شهادت رساند.

به دنبال جراحت شدید فرمانده قرارگاه قدس و خروج وی از صحنه عملیات، به دستور فرمانده کل سپاه، برادر رحیم صفوی (جانشین فرمانده نیروی زمینی) ادامه هدایت عملیات قرارگاه قدس را به عهده گرفت.

لشکر نجف در ادامه عملیات، تحت امر قرارگاه کربلا قرار گرفت و در سازمان این قرارگاه همراه دیگر یگان ها به پیشروی و رویارویی با قوای دشمن پرداخت. در ادامه عملیات و تلاش رزمندگان، دشمن ناچار به عقب نشینی به غرب نهر جاسم شد. عملیات کربلای پنج تا ۱۳۶۵/۱۷/۱۳ به مدت ۲۰ شبانه روز ادامه یافت که طی این مدت ۲۵ یگان سپاه پاسداران در برابر صد یگان دشمن به مقابله پرداختند و سرانجام به تثبیت منطقه آزاد شده و پدافند در آن پرداختند.